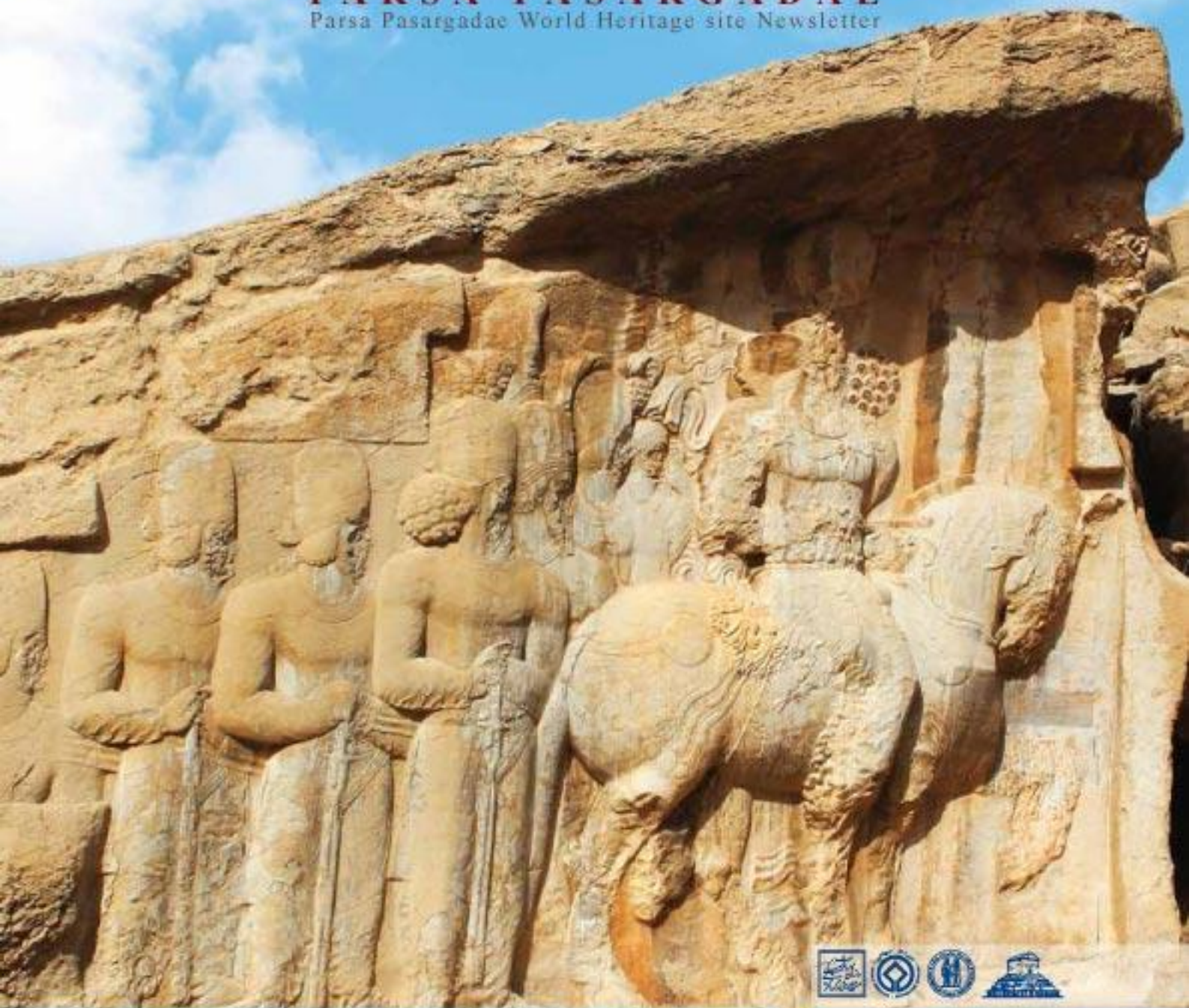


زمستان ۹۶ / سال دوم / شماره هفتم

نشریه داخلی پایگاه میراث جهانی پارسه پاسارگاد

پارسه پاسارگاد

PARSA PASARGADAE
Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter



۱. سخن مدیر مسئول ۲۱ گفتگو ۲۲ لوتوس، ارزیابی ظرفیت های گردشگری سلامت در توسعه گردشگری پاسارگاد /
نگاهی کوتاه بر کاروان سرای مظفری بر پایه مدارک تاریخی و باستان شناسی / ۴۱ گزارش آغاز پروژه اسب نگاری و حفاظت
از آرامگاه خسار یادر نقش رستم ابررسی کمی و کیفی ورود گردشگران به محوطه میراث جهانی تخت جمشید / چهارمین فصل
فعالیت های میان رشته ای باستان شناسی هیئت مشترک ایران - فرانسه / فیس کشی باروی تخت جمشید / گزارش مقدماتی
نقش های اسکلت های گسلی / اجرای محوطه سازی محور ورودی / گزارش لوله گذاری / پروژه تامین کالا، نصب ، کفسازی و
ساماندهی مسیر دسترسی ورودی تخت جمشید / مسرمت کتیبه اجرهای اعیان دار کاخ ملکه تخت جمشید
دپوشینه / بست های دم چلچله ای نقش رجب / ۶۱ چارسو، وبگاه تخت جمشید / یافته های شاخص در ساماندهی لیدر سفال
و سنگ تخت جمشید / هخامنشیان و علم حساب / فن آوری / ۷۱ سخن سردبیر / ۸۱ صفحه آخر / سرهای دستبندی

نقش رجب

فارسی - مرودشت

NAGHSH-E RAJAB
FARS-MARVODASHT

Photographer: Hosni Hosni



مدیریت بحران و میراث فرهنگی

مسعود رضایی سفرد / مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

و زمانی خواهد توانست به رشد و توسعه‌ای موزون، هماهنگ و پایدار دست یابد که با برنامه‌ریزی‌های آگاهانه و عالمانه خود در حفظ و نگهداری آن بکوشد. (رضوانی، ۱۳۸۸)

حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی برای تعادل بخشیدن به حیات انسان‌ها و دستیابی به توسعه پایدار و سازمان یافته که روند تکامل تمدن بشری را در پی خواهد داشت، از چنان اهمیتی برخوردار است که یک بسیج عمومی، جهانی، دولتی و مردمی را می‌طلبد. مردم باید محیط‌های طبیعی و فرهنگی را به‌عنوان نهاد همبستگی معنوی در اجتماعات محلی خود تلقی کنند و بپذیرند که همان‌گونه که با انهدام و تخریب محیط طبیعی زندگی بشر به خطر می‌افتد، ویرانی میراث فرهنگی و تاریخی نیز زندگی معنوی را به مخاطره می‌افکند. امروزه در تمامی کشورها اهمیت حفاظت از محیط‌زیست که میراث طبیعی و فرهنگی در آن جای گرفته بر همگان روشن است. پژوهش در مورد حفاظت از میراث فرهنگی، طبیعی و محیط‌زیست برای تداوم بقای انسان به‌قدری حائز اهمیت است که یونسکو تمامی کشورهای جهان را بر آن داشته است که روش‌های نوینی را برای حفظ و حراست آن‌ها به‌کارگیرند بدون تردید عامل توسعه فرهنگی نیز می‌تواند از میراث طبیعی و فرهنگی محافظت کند و در این ارتباط، محیط نیز خود سبب گسترش ارزش‌های فرهنگی می‌شود که این امر یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه پایدار است، زیرا زمانی که افراد یک جامعه فرهنگ خود را غنی می‌سازند نسبت به لزوم حفظ میراث طبیعی و مسائل زیست‌محیطی خود آگاه می‌شوند. در این مورد بر نقش آموزش نیز در تمامی سطوح باید تأکید شود، زیرا آموزش موجب رشد و توسعه فرهنگی خواهد شد و آثار مثبت خود را به دنبال خواهد داشت، در فرهنگ توسعه نیز هدف این است که به میراث فرهنگی و طبیعی آسیبی وارد نشود. از این‌رو مراقبت از میراث فرهنگی و طبیعی بخش لازم یک سیاست فرهنگی است و دولت‌ها در این خصوص می‌توانند بسیار کمک کنند و مؤثر واقع شوند. امروزه کنوانسیون میراث جهانی پاسخگوی نیاز جهانی برای ثروت‌های طبیعی و فرهنگی است که به‌تمامی انسان‌ها تعلق دارد و نه تنها به اختیارات مستقل دولت‌های ملی احترام می‌گذارد، بلکه کشورهای جهان را تشویق می‌کند که امر حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی خود را جدی بگیرند.

حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در عصر حاضر یک ضرورت حیاتی است. انجام چنین کاری منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار زیادی دارد که به عنوان عاملی مؤثر نقش خود را در ایجاد و برقراری توسعه پایدار ایفا می‌کند. اجرای طرح‌های توسعه‌ای مانند توسعه خطوط انتقال نیرو اعم از گاز، برق و حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای گرچه آثار منفی دارد و موجب تخریب محیط‌زیست و آثار تاریخی فرهنگی می‌گردد، اما نمی‌توان آن را متوقف نمود، بلکه باید با پذیرش نظام خاصی از اخلاقیات با آن برخورد نمود. بدین‌سان می‌توان تا حد ممکن از وارد آوردن آسیب به جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی موجود در آن جلوگیری کرد. حادثه خیزبودن کشور ایران در کنار قدمت تاریخی و فرهنگی آن و وجود آثار باستانی چند هزار ساله ایجاب می‌کند که برنامه تخصصی و مدونی در زمینه مدیریت بحران و برای حفظ این آثار در حوادث غیرمترقبه وجود داشته باشد. تاکنون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی بیشتر به عهده کشورهای بوده که چنین ثروت‌هایی را در اختیار داشته‌اند، ولی پس از تصویب مقاله نام‌های با عنوان میراث جهانی، شامل ثروت‌های فرهنگی و طبیعی که از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر رفته و ارزش جهانی کسب کرده‌اند، به جوامع بین‌المللی این امکان داده شده است تا در حفظ عناصر آن همکاری کنند. محیط‌زیست و میراث فرهنگی و طبیعی که هدیه الهی به بشر است به‌عنوان اندوخته‌ای پارور و موزه‌ای ماندگار وزنده برای انسان تشنه و حریص است. انسان مصرف‌کننده، سازنده و مخربی که سال‌های متمادی همزیست با آن است و اینک بیش از هر زمان دیگر به ارزش و اهمیت آن پی برده و برای حیات خود ناگزیر به حفاظت آن است



حفاظت و گردشگری

حمید فتاحی / مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد

سفر از دیر باز بخشی از سرشت انسان بوده است. سفر در آموزه های دینی نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است و بر این اساس سفر همواره حرکتی بوده است مقرون با دانش و معرفت و تمهیدی برای سفر بسوی خدا.

گردشگری از مشخصات بارز جوامع انسانی از عهد کهن تا به امروز است؛ بنابراین می توان گردشگری را با ابعاد مادی و معنوی خود پدیده ای فرهنگی و اجتماعی دانست که در محور آن نیز انسان با همه خواست ها و آرزوهایش قرار دارد.

رونق گردشگری در دنیای معاصر، نگاهی از جنس فرهنگ را می طلبد و نمی توان نگاه صرفاً اقتصادی بدان داشت. به ویژه در سرزمین ما موضوع فرهنگ و تنوع آن با نفوذی فراگیر قادر است اساس گردشگری را تبیین نماید. پس گردشگری و فرهنگ ارتباطی ناگسستگی دارند و انسان تاریخی به عنوان خالق فرهنگ و حامل آن در محور این گردشگری سهم و نقشی تعیین کننده دارد. از منظری دیگر گردشگری پایدار در سایه حفاظت پایدار از میراث دست یافتنی است.

در گردشگری پایدار ضرورت دارد زمینه و بستر تاریخی، فرهنگی و طبیعی آثار و محوطه های میراثی، مورد صیانت قرار گیرد. بدون حفاظت و صیانت از محوطه های میراثی، شعار رونق گردشگری رنگ می بازد. اخبار نگران کننده از تخریب و کاوش غیر مجاز شمار کثیری از محوطه های تاریخی و فرهنگی نشان از فاصله زیاد ما با گردشگری پایدار دارد.

کنوانسیون میراث جهانی در بالا بردن آگاهی های مردمی در سراسر جهان نقش بسیار مؤثری را ایفا می کند و برنامه های متنوعی را در دستور کار خود قرار داده است که تمام اهداف توسعه پایدار را به دنبال دارند.

اهمیت آثار تاریخی برای هر تمدن و فرهنگ و حفظ انسجام ملیتی و فرهنگی مردمان آن سرزمین امری انکارناپذیر و حیاتی است. که هر کشور و ملت آن با به کارگیری تمام توان خود در راستای حفظ این آثار تلاش می کنند تا بتوانند آثار خود را به نسل آینده منتقل کنند. لذا در همین راستا پیش بینی خطرات و راهکارهای مقابله با آن باید مدنظر قرار گیرد. در همین راستا و با توجه به اینکه فرهنگ و سطح آگاهی هر جامعه یا سازمانی به عنوان زیربنا و محرک اصلی تصمیمات اجرایی آنجا معیار سازمان است، به نظر می رسد که یکی از علل عدم نهادینه شدن برنامه های مدیریت بحران در سازمان میراث فرهنگی، بالابودن سطح آگاهی بدنه سازمان در زمینه ی مدیریت بحران است. لذا با توجه به گذشت بیش از چندین سال از وقوع زلزله بم و ویران شدن یکی از عظیم ترین میراث فرهنگی کشور، و با وجود زلزله های اخیر مانند زلزله سر پل ذهاب، کرمان و... و ده ها زلزله ای که اخیراً با آن روبرو بوده ایم که منجر به تخریب بخشی از آثار تاریخی شده است لازم است که علل آن شناسایی و با توجه به احتمال بودن آسیب سایر آثار تاریخی در حوادث آینده، اقدامات اساسی در این زمینه صورت گیرد. البته ذکر این نکته ضروری است که بعضاً حوادث و بحرانها برای آثار تاریخی غیرقابل جبران است و دیگر اینکه با توجه به شتاب توسعه در کشور، گاهی تصمیماتی اتخاذ می گردد که خسارات ناشی از آن کمتر از بلایای طبیعی نیست. آبیگری سد سیوند در تنگ بلاغی پاسارگاد، گذر راه آهن شیراز- اصفهان از نزدیکی نقش رستم و دهها نمونه دیگر گواه این مدعا است. از این رو به نظر می رسد وجود برنامه مدیریت بحران در هر اثر ثبت جهانی باید جزء لاینفک پلانهای مدیریت هر سایت باشد که بتوان در صورت بروز بحران با آن مقابله کرد تا حداقل خسارت به آثار وارد آید.



مصاحبه با دکتر محسن زیدی

سرپرست ایرانی هیئت مشترک ایران - ژاپن پروژه نجات بخشی محوطه های باستانی دره بلاغی

- نام و عنوان سرپرست ایرانی هیئت: دکتر محسن زیدی
- سازمان، دانشگاه یا مؤسسه وابسته: گروه پیش از تاریخ و بوم شناسی کواترنر و مرکز پژوهش های تحول انسان و دیرین اقلیم ژنکتیرگ، دانشگاه توبینگن، آلمان
- نام و عنوان سرپرست غیر ایرانی هیئت: دکتر آکیرا سوتکی
- سازمان، دانشگاه یا مؤسسه وابسته: موسسه مطالعات باستان شناسی آسیای غربی، دانشگاه سوکوبا، ژاپن
- اعضای ایرانی هیئت: مظفر زرین کوه، بنفشه ملازاده، کیوان عیسی پور (فصل اول)، روشنگر جهرمی، بنفشه ملازاده، مجید کوهی، وحید بارانی (فصل دوم).
- اعضای غیر ایرانی هیئت: کازویا یامانوچی، شین ایچی نیشیاما، کاتسوهیکو اوناما، کن-ایچیرو هیسادا، آتسوتوری هاسگاوا، سانائه ایتو (فصل اول).
- سیستم فوروساتو، کاتسوهیکو اوناما، کن-ایچیرو هیسادا، ایتسورو تومیئا، مارک دیاب، تاکورو آداچی، هوتاکا ایتو (فصل دوم).
- تاریخ یا فصول فعالیت هیئت:
فصل اول: تیر و مرداد ۱۳۸۴، فصل دوم: تیر و مرداد ۱۳۸۵
بررسی باستان شناسی، زمستان ۱۳۸۵
- مکان فعالیت (کاوش یا بررسی): کاوش در محوطه شماره ۷۵ (اشکفت حاجی بهرامی) و محوطه ۱۳۰ در دره بلاغی در محوطه شماره ۷۵ (اشکفت حاجی بهرامی) در دره بلاغی در تابستان ۱۳۸۵.
- بررسی باستان شناسی دره بلاغی و پیرامون آن در زمستان ۱۳۸۵.
- سرپرست ایرانی (دکتر محسن زیدی)
- سرپرست غیر ایرانی (دکتر کازویا یامانوچی) شین ایچی نیشیاما (عضو هیئت)

مشخصات فنی و تکنیکی پروژه

پس از فراخوان پژوهشکده باستان شناسی در سال ۱۳۸۴ و درخواست از باستان شناسان ایرانی و غیر ایرانی جهت شرکت در پروژه نجات بخشی محوطه های باستانی دره بلاغی، باستان شناسان ژاپنی نیز در این پروژه شرکت کردند و در زمستان همان سال از منطقه بازدید به عمل آمد. پس از بازدید اولیه و بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی کوتاه منطقه، تصمیم گرفته شد تا فعالیت هیئت در دو بخش جداگانه انجام شود:

۱. کاوش در محوطه های شماره ۷۵ (اشکفت حاجی بهرامی) و محوطه شماره ۱۳۰ که هر دو مربوط به دوران پارینه سنگی بودند.
 ۲. مطالعه و بررسی مسیرهای ارتباطی و الگوی پراکنش محوطه ها در دره بلاغی.
- بخش اول فعالیت میدانی ما بر اساس اهمیت استان فارس به عنوان یکی از مناطق باستان شناختی مهم جهت مطالعه دوران پارینه سنگی و نوسنگی انجام گرفت. در استان فارس، به ویژه در مرودشت، تعداد زیادی غار و پناهگاه صخره ای گزارش شده است. برخی از آنها مانند اشکفت گاوی مورد کاوش قرار گرفته و تعداد زیادی محوطه مربوط به دوران های مختلف پارینه سنگی مورد بررسی قرار گرفته است. در منطقه ارسنجان، در جنوب شرقی مرودشت نیز چند دهه پیش، هیئت باستان شناسی ژاپنی بررسی فشرده ای را انجام داده و ده ها محوطه پارینه سنگی مورد شناسایی قرار گرفت. در طی پژوهش های انجام گرفته در دهه های گذشته و همچنین اخیراً تعدادی تپه نوسنگی با سفال به ویژه در مرودشت نیز مورد کاوش قرار گرفته است. برای نمونه، کاوش در محوطه های تل موشکی، تل جری و تل بشی، قدیمی ترین فازهای نوسنگی با سفال در منطقه را مشخص کرده اند. لازم به ذکر است که در چارچوب پروژه نجات بخشی، تپه رحمت آباد واقع در دشت سعادت شهر نیز مورد کاوش قرار گرفت که موجب شناسایی فازهای استقرار نوسنگی بی سفال و با سفال در آن شد که بسیار دارای اهمیت است. همه این مطالعات بیانگر این است که استان فارس دارای پتانسیل زیادی جهت مطالعات پارینه سنگی و نوسنگی است. به هر حال، به طور عجیبی محوطه های مابین دوران فرآپارینه سنگی و نوسنگی با سفال تاکنون در استان فارس گزارش نشده است. این دوران دارای اهمیت زیادی در تاریخ بشر است، چراکه این دوران بیانگر فاصله زمانی و تغییرات مربوط به جوامع جمع آوری کننده غذا به جوامع تولید کننده غذا است. تعداد زیادی غار و پناهگاه صخره ای در دره بلاغی وجود دارد که در بررسی سطحی برخی از آن ها دست افزارهای سنگی مربوط به دوران انتقالی پیش گفته به دست آمد.

بنابر این دو محوطه شماره ۷۵ و ۱۳ که دارای یافته‌های این دوران بودند و همچنین امکان کاوش در آنها وجود داشت جهت پژوهش انتخاب شدند که مدارک جدیدی مربوط به دوران پیش گفته را برای اولین بار در زاگرس جنوبی به دست دادند. بخش دوم فعالیت میدانی ما نیز بر اساس بازدید کوتاه و ارزیابی ما از منطقه انجام گرفت، و بیانگر این بود که دره بلاغی یکی از محدوده‌های مناسب جهت مطالعه مسیرهای ارتباطی و فعالیت‌های تجاری هم در دوران پیش از تاریخ و هم دوران تاریخی است. برای مدارک مسیرهای ارتباطی و تجاری، ما می‌بایست همه انواع محوطه‌های باستانی موجود در دره بلاغی و اطراف آن را مورد بررسی قرار می‌دادیم. این کار با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای با قدرت تفکیک بالا و همچنین بررسی فشرده پیمایشی انجام گرفت. این بررسی منجر به آشکار شدن ارتباطات مابین مسیرهای ارتباطی در درون و بیرون دره بلاغی با الگوی پراکنش محوطه‌ها در این بخش گردید. این موضوع بیانگر آثار و نشانه‌های حمل و نقل، عبور و مرور و تجارت پویا در دره بلاغی در طی دوران مختلف است. ثبت و ضبط دقیق آنچه که به جاده شاهی معروف و احتمالاً مربوط به دوران هخامنشی است، نیز جنبه دیگری از اهمیت تاریخی دره بلاغی را که تاکنون مشخص نبود فراهم کرد.



- تفاوت و تمایز فعالیت‌ها با سایر کاوش‌هایی که در مکان‌های دیگر انجام داده‌اید چه بوده است؟
مهمترین تفاوتی که در انجام این پروژه نسبت به دیگر پروژه‌های باستان‌شناسی وجود داشت، تمرکز فعالیت‌های پژوهشی در یک منطقه توسط گروه‌های مختلف پژوهشی به صورت همزمان و سازمان‌دهی این فعالیت‌ها توسط پایگاه میراث جهانی پاسارگاد بود. این امر موجب صرفه‌جویی زیاد وقت و انرژی در انجام و پی‌گیری امور غیر پژوهشی و تمرکز هر چه بیشتر پژوهشگر بر فعالیت میدانی امور شد که پژوهشی و دارای اهمیت بسیار زیادی است.

کاوش و بررسی های باستان شناختی انجام شده توسط هیئت ایران-زاین در دره بلاغی، اطلاعات جدیدی را مربوط به دوران پیش از تاریخ و همچنین جوامع کوچ رو در استان فارس به طور کلی و در منطقه بلاغی به طور اخص به دست داد. مهمترین نتایج به دست آمده مربوط به شناسایی توالی فرهنگی دوران گذار از فراپارینه سنگی به آغاز نوسنگی در زاگرس جنوبی است که کلید حل معمای نوسنگی گرایی است. تا پیش از این، چنین داده هایی به طور مستقیم و به طور روشمند از کاوش های باستان شناسی به دست نیامده بود و به همین خاطر چنین پنداشته می شد که این بخش از زاگرس نقشی در این دوران انتقالی مهم نداشته است. به هر حال، داده ها و اطلاعات به دست آمده از دو محوطه شماره ۷۵ و ۱۳۰ در دره بلاغی، این وقفه در توالی فرهنگی منطقه را پوشش داد و همچنین مشخص کرد که استان فارس در زاگرس جنوبی یکی از مناطقی است که از نظر مطالعات نوسنگی گرایی قابل مطالعه و بررسی است. بررسی کلی ما در منطقه نیز چشم انداز جدیدی را برای دره بلاغی و نقش آن در مسیرهای تجاری مشخص کرد. اهمیت این مسیرها از دوره ای به دوره دیگر در دره بلاغی تغییر کرده است. بخش غربی آن مهمترین دروازه از دوران پیش از تاریخ تاکنون بوده است. تنها استثنا در دوران هخامنشی است. زمانی که مسیرهای ارتباطی در شرق و جنوب اهمیت بیشتری یافت. موقعیت محوطه شماره ۷۵ به عنوان یک محل اصلی در این دوران مد نظر بوده است. بررسی ما داده های قابل ملاحظه ای را جهت درک جایگاهی ها و مسیرهای ارتباطی در گذشته نشان می دهد. و به نظر می رسد که دره بلاغی نقش سیستمی دفاعی را برای مجموعه پاسارگاد در دوران هخامنشی ایفا می کرده است.

جایگاه پایگاه میراث جهانی پاسارگاد در فعالیت ها

- نتایج حاصله از فعالیت های هیئت چه جایگاهی در معرفی و حفاظت بهینه از پایگاه میراث جهانی پاسارگاد خواهد داشت؟ هر چند نتایج به دست آمده از این کار از لحاظ بازه زمانی ارتباط مستقیمی با مجموعه تاریخی پاسارگاد ندارد ولی باید در نظر داشت که مجموعه تاریخی پاسارگاد تنها به آثار و بناهای تاریخی موجود در آن محدود نمی شود. باید به این نکته توجه داشت که منطقه پاسارگاد به دلیل شرایط زیستی مناسب و موقعیت جغرافیایی خاصی که داراست از دیرباز مورد سکونت انسان قرار گرفته است و همین باعث اهمیت این منطقه از دوران پیش از تاریخ تاکنون شده است. لذا قرارگیری محوطه پاسارگاد را باید در بستری گسترده از شرایط مختلف جغرافیایی و زیست محیطی قرار داد تا بتوان به اهمیت و جایگاه آن پی برد و مطالعات پیش از تاریخ و به ویژه دوران پارینه سنگی به ما کمک می کند تا به بازسازی هرچه بهتر این شرایط اقدام کنیم. تمامی این موارد، می توان با در نظر گرفتن مجموعه را در بستری مناسب تر قرار داد که به جایگاه تاریخی و اهمیت هرچه بیشتر آن کمک خواهد کرد.

- آیا تداوم فعالیت های هیئت را ضروری می بینید (در این صورت و در این باره چه انتظاری از پایگاه میراث جهانی پاسارگاد دارید)؟ بله. همچون گذشته. فراهم آوردن شرایط اقامتی، قراردادادن فضای پژوهشی و تسهیل امور در انجام پروژه، مهمترین بخش کمک پایگاه میراث جهانی پاسارگاد خواهد بود.

تأثیرات بومی و محلی

- از نظر شما، نقش فعالیت های باستان شناسی شما در آگاهی بخشی در مورد اهمیت تاریخی محل به مردم بومی و محلی، و میزان مشارکت آنها در این فعالیت ها چه بوده است؟

به طور کلی، انجام پژوهش های باستان شناسی در یک منطقه و به ویژه بکار گرفتن نیروی محلی در انجام این فعالیت ها به طور مستقیم به آشنا سازی مردم بومی و محلی با تاریخ منطقه کمک زیادی خواهد کرد. در انجام این پروژه ما از تعدادی افراد محلی جهت کمک استفاده کردیم. همچنین روزانه تعداد زیادی از افراد محلی از فعالیت های ما بازدید می کردند. هم افراد محلی شرکت کننده در کاوش و هم بازدیدکننده ها پرسش هایی را مطرح می کردند که بیشتر نامربوط بود و بیشتر به خاطر نداشتن اطلاعات کافی بود. به همین خاطر تلاش شد تا موضوع فعالیت به صورت دقیق برای همه این افراد توضیح داده شود تا موجب رفع هر گونه ابهام شود و همچنین این افراد را از اهمیت انجام چنین فعالیت هایی آگاه سازیم. هر چند این امر موجب آگاه سازی افراد بومی می شد ولی نیاز است تا این گونه روشن سازی مسائل، پس از پایان فعالیت های میدانی نیز توسط پایگاه پژوهشی ادامه داده شوند و افراد محلی را بیشتر وارد این حیطه کرد تا به اهمیت آثار تاریخی منطقه پی ببرند و احساس مسئولیت آثار از خود نشان دهند.

- در پایان و در خصوص موارد یاد شده چه دیدگاه و یا نظر خاصی دارید؟

به نظر من در ادامه فعالیت های قبلی پایگاه، مهمترین اقدامی که در مجموعه میراث جهانی پاسارگاد و همچنین دره بلاغی به عنوان بخش جدایی ناپذیر این مجموعه باید انجام شود، آگاه سازی عمومی، مستند نگاری دقیق آثار، حفاظت و جلوگیری از تخریب و همچنین انجام پژوهش های روشمند ادامه دار است.



نمای هوایی از محوطه باستانی دره بلائی

ارزیابی ظرفیت های گردشگری سلامت در توسعه گردشگری منطقه پاسارگاد

زهره حسینی: کارشناس ارشد مرمت پایگاه میراث جهانی پاسارگاد

گردشگری، صنعتی است که امروزه سهم بزرگی از فعالیت های اقتصادی جهان را در بر گرفته و طبق محاسبات انجام شده بالغ بر یک سوم کل تجارت خدمات سراسر جهان را به خود اختصاص داده است (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۰۶). در این میان گردشگری سلامت، به عنوان یکی از حوزه های موثر در فعال کردن چرخه های این صنعت نقش بسزایی ایفا می کند. گردشگری سلامت، افراد و گروه هایی را شامل می شود که برای استفاده از تغییر آب و هوا استفاده از آب های معدنی، گذراندن دوران نقاهت، معالجه و نظایر آن اقدام به مسافرت می نماید و عموماً، بر این منطق استوار است که معالجات پزشکی در کنار استراحت، فراغت و سیاحت ناشی از یک سفر آرامش بخش می تواند روند بهبودی فرد را تسریع بخشد. استان فارس به عنوان قطب پزشکی جنوب کشور، همچنین به دلیل خدمات درمانی ارزان با کیفیت بالا، کادر درمانی ماهر و جاذبه های گردشگری بسیار سالانه بیماران بسیاری را از کشورهای همسایه، حوزه خلیج فارس و کشورهای اسلامی منطقه به خود جذب می کند. به همین منظور توسعه برنامه های گردشگری سلامت در این استان می تواند تاثیر بسزایی در اقتصاد آن به خصوص اقتصاد مناطق روستایی و کم درآمد داشته باشد. منطقه پاسارگاد، یکی از مناطق استان فارس است که ظرفیت بالایی در جذب گردشگر درمانی و توسعه گردشگری سلامت دارد. مفهوم سفر برای دستیابی به سلامت و با اهداف درمانی، در منطقه پاسارگاد موضوع تازه ای شناخته نمی شود چرا که از دیرباز آرامگاه کوروش (که در آن زمان آرامگاه مادر حضرت سلیمان تعبیر می شد) به عنوان یک شفابخش برای بومیان منطقه و مسافران شناخته می شده است.

در گذشته، دامداران یا گرداندن دام ها به دور آرامگاه آن ها را در برابر حمله حیوانات وحشی و یا بیماری هاری بیمه می کردند. همچنین به امید بهبود یافتن از بیماری ها، بدن خود یا دام هایشان را در رودخانه بلوار غسل می دادند. علاوه بر اعتقادات سنتی قدیمیان، این منطقه به واسطه طبیعت بکر، هوای پاک، مناظر زیبا از کوهستان و دشت برای تمدد اعصاب، تنوع گیاهان دارویی، تنوع غذایی سالم و طبیعی، دانش غنی در درمان های سنتی، و شیوه زندگی سالم در بین عشایر ظرفیت های بالایی در ایجاد یک دهکده سلامت نشان می دهد و می تواند گردشگران بسیاری را به خود جذب نماید.

با این وجود، توسعه گردشگری در این منطقه با رویکرد سلامت، می تواند چالش هایی را به همراه داشته باشد. مشکلات زیرساختی اساسی همچون سیستم حمل و نقل ضعیف و کمبود مناطق استراحتی با استاندارد های درمانی می تواند توسعه گردشگری سلامت در این منطقه را به تاخیر بیاورد. همچنین نبود ویزای درمانی و مشکلات بیمه های درمانی، کمبود دانش عمومی از جاذبه های گردشگری منطقه، کالی نبودن امکانات درمانی در منطقه، موضع گیری های سیاسی، نبود سرمایه گذاری های دولتی در این بخش و عدم تمرکز در جذب سرمایه های خصوصی از دیگر مشکلات شناخته شده در مسیر توسعه معرفی می شوند. این مسئله نشان می دهد که توسعه گردشگری سلامت در منطقه یا برنامه ریزی های بلند مدت برای ایجاد زیرساخت های لازم و اساسی، همکاری های سازمانی و دولتی، تشویق سرمایه گذاران بخش خصوصی، و همچنین تبدیل تهدید های پیش رو به فرصت های رشد، می تواند با کاهش درآمد وابسته به کشاورزی سهم بسزایی در بهبود اقتصاد منطقه داشته باشد.



نگاهی کوتاه بر کاروان سرای مظفری بر پایه مدارک تاریخی و باستان شناسی

حمید رضا کرمی: کارشناس ارشد باستان شناسی پایگاه میراث جهانی پاسارگاد

بر پایه منابع نوشتاری (سفرنامه ها و کتاب های تاریخی و آثار برجای مانده) این بنا در زمان آل مظفر و به دستور شاه شجاع (۷۵۹ تا ۷۷۶ ق) جهت رفاه مسافران در نزدیکی آرامگاه کوروش که در آن زمان مشهد مادرسلیمان نامیده می شد ساخته شد. بیشتر مصالح استفاده شده در ساخت کاروان سرا شامل بلوک های سنگی سپید رنگ است که با کمترین زحمت از کاخ ها و دیگر بناهای هخامنشی پاسارگاد آورده شده و در ساخت کاروان سرا مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین از ملات گچ نیز در ساخت بنا و جهت پیوند بلوک ها به یکدیگر استفاده شده است. (شاهپورشهبازی، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

سر ویلیام اوزلی خاورشناس، نویسنده و مترجم انگلیسی در سال ۱۸۱۱ میلادی در جریان بازدیدی که از پاسارگاد داشته، طرحی از آرامگاه از سمت کاروان سرای مظفری تهیه کرده که در این طرح ورودی کاروان سرا به صورت یک دروازه با تاق جناقی نمایان است. در منابع تاریخی نیز از کاروان سرای مظفری یاد شده و در مورد آن مطالبی در کتاب ها و سفرنامه ها آمده است. از جمله مستوفی یزدی در کتاب مختصر مفید در احوال بلاد ولایات ایران در این مورد می گوید که پادشاه مطاع شاه شجاع مظفری در حوالی مشهد (آرامگاه) کاروان سرائی ساخت که تمامی ارکان و دیوارها از سنگ مرمر تراشیده شده است. (مستوفی یزدی، ۱۳۰۱: ۲۴۹). از تغییراتی که در دوره های پس از آل مظفر در کاروان سرا انجام شده اطلاعاتی در دست نیست. تنها بررسی عکس های هوایی و گفته های مردم بومی پاسارگاد است که اندکی از وضعیت کاروان سرا و فضای پیرامون آن را بازگو می کند. در تصاویر هوایی که توسط اشعیت در سال ۱۹۳۵ گرفته شده، باقی مانده ساختارها و تپه هایی در بخش غربی و جنوبی کاروان سرا به چشم می خورد که اکنون از آن ها اثری نیست. این ساختارها بنا به گفته اهالی به ((کوئیکا)) معروف بودند که قدمت آنها به حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ سال پیش می رسیده است. در این ساختارها به صورت موقت تعدادی از مردم برای اقامت موقت استفاده می کرده اند. همچنین در فضای میان کاروان سرا و آرامگاه کوروش یک حمام قدیمی خزینه ای وجود داشته که قدمت آن نیز بنا به گفته اهالی مادرسلیمان نزدیک به ۲۰۰ سال بوده است.

منبع دیگر کتاب سفری به دربار سلطان صاحبقران اثر هنریش پروگش جهانگرد و خاورشناس مشهور آلمانی است که در سال ۱۸۶۱ میلادی از پاسارگاد دیدن کرده در مورد کاروان سرا آورده است: ((در قسمتی از آن، دهکده نیمه ویرانی قرار دارد که مهمترین بنای آن یک ساختمان چهارگوش و سنگی است که اهالی به آن مدرسه یا کاروان سرا می گویند و محلی برای پیتوته کردن مسافران است. این بنای سنگی را متعلق بقیه دوران باستان می دانند. عده ای می گویند که آنجا محل اقامت معماران و کارگران مقبره کوروش بوده است و جمعی عقیده دارند که رهبران مذهبی زرتشتی که کامور حفاظت از مقبره کوروش بوده اند در این بنا زندگی می کرده اند. در قرون بعد این ساختمان تجدید بنا و مرمت شد و در نتیجه تاکنون پایرجاست)) (صدافت کیش، ۱۳۷۹: ۱۸). در سال ۱۳۲۸ خورشیدی علی سامی به همراه فریدون توللی بازرس فنی باستان شناسی قطعه سنگ کتیبه دار به خط ثلث را پیدا می کنند که روی آن نوشته شده ((السلطان المطاع ابوالقوارس)) که واژه ابوالقوارس به معنای شهسوار دانسته شده است. همچنین قطعه سنگ دیگری نیز در همین کاوش به دست آمده که روی آن نوشته شده ((مالک هفت اقلیم)).

در جریان این فعالیت، سامی نقشه ای از وضع موجود کاروان سرا تهیه کرده است که وضعیت پلان و فضاهای آن را روشن می کند (سامی، ۱۳۳۸: ۹۹). پس از انجام کاوش ها و تهیه نقشه از باقی مانده ساختمان کاروان سرا، سامی بخش غربی ساختمان کاروان سرا را با استفاده از بلوک های سنگی و لاشه سنگ های طبیعی و مواد و مصالح جدید همانند تیر آهن، میلگرد، سیمان، کاشی و موزاییک، درب و پنجره فلزی بازسازی و احیا کرده و از آن به عنوان دفتر کار استفاده می کند. بررسی نقشه های جدید تهیه شده از بنای کاروان سرا و مطابقت آن با نقشه تهیه شده توسط سامی نشان می دهد که وی ساختمان نوسازی شده را بر پایه پلان اصلی و وضع موجود بنا نساخته و بخش هایی از آن را حذف کرده است.



وضعیت ساختمان کاروان سرای مظفری پیش از بازسازی و پس از مرمت های سامی

منابع

سامی، علی، ۱۳۳۸ پاسارگاد قدیمی ترین پایتخت شاهنشاهی هخامنشی، شیراز، کتاب فروشی معرفت شیراز.
شاهپور شهبازی، علیرضا، راهنمای جامع پاسارگاد، ۱۳۷۹ انتشارات بنیاد فارس شناسی
صدافت کیش، جمشید، ۱۳۷۹ آرامگاه کوروش و باورهای مردم فارس-تهران، انتشارات خجسته.
مستوفی یزدی، محمد مفید، ۱۳۰۱ مختصر مفید در احوال بلاد ولایات ایران، تهران، کتابخانه و مرکز دایره المعارف اسلامی

آغاز پروژه آسیب نگاری و حفاظت از آرامگاه خشایارشا در نقش رستم

گروه مرمتی مشترک پایگاه های میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد

پروژه حفاظت و مرمت آرامگاه خشایارشا در نقش رستم با همکاری پایگاه های میراث جهانی پاسارگاد و تخت جمشید و با احداث داربستی به ارتفاع بیش از ۵۰ متر در مقابل آرامگاه آغاز گردید. طراحی و اجرای این داربست و همچنین تجهیز کارگاه مرمت با همکاری اساتید مرمت تخت جمشید به انجام رسیده است.

آرامگاه خشایارشا به عنوان یکی از ارزشمندترین میراث هخامنشیان در طی هزاران سال دستخوش فرسایش های بسیاری بوده که ادامه این روند فرسودگی، بقای آن را در معرض خطر جدی قرار خواهد داد. ترک ها و شکستگی های ناشی از فعالیت های زمین ساختی کوه حسین، زنگارهای اگزالاتی که قدمت بالای این نقش را یادآور می شود، رسوب ها و کبره های نمکی، درزه ها و روزن هایی به همراه جریان آب بر روی نقش و همچنین فعالیت های زیستی ناشی از رشد گیاهان عالی و پست، در مجموع زمینه تخریب و فرسایش حجاری های ارزشمند این آرامگاه را فراهم آورده است. بدین منظور از پاییز سال جاری برنامه حفاظت و مرمت این اثر با اولویت شناخت و ثبت و ضبط مشخصات فنی اثر و همچنین ارزیابی عوامل آسیب رسان در دستور کار گروه حفاظت و مرمت پایگاه میراث جهانی پاسارگاد و تخت جمشید قرار گرفت.



مستندنگاری نقوش این آرامگاه در بهار سال جاری با استفاده از روش ترکیبی فتوگرامتری و اسکن لیزر و توسط شرکت مهندسی پرتد پیمایش به انجام رسیده است و در طول این فعالیت تصاویر تخت موسوم به اورتوفوتو از نمای آرامگاه تهیه شده است. در حال حاضر گروه حفاظت گر متشکل از کارشناسان مجرب این دو پایگاه در حال انتقال اطلاعات مربوط به روش های مختلف حجاری بر روی تصاویر اورتوفوتو و تهیه نقشه های فن نگاری از اثر هستند. به موازات آسیب های وارده به نقوش نیز ثبت و ضبط گردیده و نقشه های آسیب نگاری اثر تهیه خواهند شد. این فعالیت ها نهایتاً به شناسایی اولویت ها و ضرورت های حفاظت و طرح ریزی برنامه مرمت نقش منجر خواهد گردید. همچنین ضمن انجام این مطالعات و با شناسایی نقاط پرخطر اثر، اقداماتی در جهت حفاظت اضطراری و از جمله تثبیت بخش های در حال ریزش به صورت موقت انجام خواهد شد. مطالعات کتابخانه ای و از جمله گردآوری کلیه مستندات، تصاویر و گزارش های حفاظتی و مرمتی نگاره خشایارشا و همچنین مطالعات آزمایشگاهی با استفاده از ظرفیت های موجود در محل آزمایشگاه تخصصی مطالعات سنگ پاسارگاد، از دیگر برنامه های طرح ریزی شده توسط گروه حفاظتی است. در این همکاری مشترک که با تجهیز و راه اندازی دفتر فنی حفاظت و مرمت در محوطه نقش رستم بوده، در نظر است که از مشاوره کارشناسان مجرب در حوزه های مرتبط همچون باستان شناسی، زمین شناسی و آبخیزداری نیز استفاده گردد.

فنس کشی باروی تخت جمشید

گروه عمران، ساماندهی و برنامه ریزی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

اهداف پروژه:

۱. حفاظت فیزیکی از میراث جهانی تخت جمشید
۲. بالا بردن ضریب امنیت مجموعه

شرح عملیات: با اندیشیدن به این تعریف که حفاظت را ایمن نگه داشتن، محافظت از آسیب، تباهی یا زوال، نگهداری با دقت و حال معمولاً حفظ در وضعیت کنونی از سر ناپودی و دگرگونی بیان شده و همچنین با تأمل در تعریف ایکوموس-حفاظت عبارت است از طول عمر میراث فرهنگی و در صورت امکان شفاف کردن پیام های هنری و تاریخی ملحوظ در آن، بدون از دست دادن اصالت و معنی آن، حفاظت یک فعالیت فرهنگی، هنری، فنی و مهارتی بر مبنای مطالعات علمی و انسان شناسانه و نیز پژوهش روشمند است، حفاظت باید بستر فرهنگی را محترم شمارد. (ایکوموس، ۱۹۹۳، بند ۳). اجرای پروژه فنس کشی به طول ۱۰۰۰ متر در اطراف باروی مجموعه تخت جمشید اجرا گردید، در این پروژه تلاش بر آن شد تا حد امکان منظر مجموعه از آلودگی فنس حفظ گردد و جهت رسیدن به این هدف مسیر فنس از نقاطی عبور کرد که خارج از دید انسانی باشد و از طرفی بتواند با اهداف پروژه هماهنگ باشد. مسیر معرفی شده توسط گروه باستان شناسی و یگان حفاظت و سرپرست مرمت و دفتر فنی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، مشخص و به پیمانکار معرفی گردید این مسیر از پایین ترین نقطه آوار باروی تخت جمشید حرکت می کند و به آخرین نقطه شرقی بارو ادامه پیدا می کند و ۳۰۰ متر از مسیر فنس کشی از ادامه در حفاری آغاز و تا ارتفاع مشخص توسط یگان حفاظت و گروه باستان شناسی و دفتر فنی به پیمانکار اعلام و صورت جلسه گردید، اجرای این مسیر میتواند در امر حفاظت و صیانت از آثار یگان حفاظت را یاری نماید و از طرفی با توجه به تخریب باروی تخت جمشید و نبود حریم جهت جلوگیری از حیوانات به مجموعه شاهد صدماتی جدی به بازدید کنندگان مجموعه در اثر حمله حیوانات بودیم که اجرای فنس تا حد زیادی می تواند از بروز این معضلات جلوگیری نماید.



ناظر معماری: ابودر دهقانی
ناظر عمرانی: سجاده ملهماسی

بررسی کمی و کیفی ورود گردشگران به محوطه میراث جهانی تخت جمشید

معصومه عرب پور / کارشناس ارشد بخش آمار پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

مجموعه های میراث جهانی پارسه - پاسارگاد از دیر باز تاکنون همواره به عنوان یکی از قطب های گردشگری مطرح بوده است. بنابراین بحث چگونگی روند ورود بازدید کننده (اعم از داخلی و خارجی) از نکات مهمی است که باید به آن توجه کرد. گرچه نمی توان میزان بازدید کننده از این محوطه ها را به عنوان معیاری معتبر جهت شناخت گردشگر در سطح کلان مطرح کرد، با این وجود شناخت و آگاهی از آن و خصوصیات کمی و کیفی آنان، نقش والایی در برنامه ریزی جهت گسترش این صنعت مدرن را دارد.

پیشینه بخش آمار

علم آمار علمی است که به روش های جمع آوری مشاهدات (کیفی، کمی) و بیان آن در قالب اعداد، تجربه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده و استنباط درباره کل اطلاعات می بردارد. بخش آمار پایگاه میراث جهانی تخت جمشید به منظور ارزیابی روند ورود بازدید کننده به مجموعه هخامنشی (مشاهدات کمی) و نیز بررسی مشکلات بازدید کنندگان و ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با آنان از سال ۱۳۸۲ کار خود را شروع کرد. در ابتدای مسئولیت این بخش ساماندهی آمار بازدید کنندگان مجموعه هخامنشی (تخت جمشید، موزه، نقش رجب، نقش رستم، پاسارگاد و نور و صدا) از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۱ بود و سپس با ارائه فرم نظر خواهی به بازدید کنندگان با هدف آگاهی از پیشنهادات و انتقادات آنان با توجه به خصوصیت فردی از جمله میانگین سنی، جنسیت، ملیت و ...، نسبت به رفع نواقص موجود و ایجاد شرایط مطلوب تر، هر چند به طور نسبی، اهتمام ویژه صورت گرفت؛ کما اینکه این روند همچنان ادامه دارد تا بتوان شرایط و امکانات مجموعه جهانی تخت جمشید را به استانداردها نزدیک تر کرد.

ارتباط علم آمار با دیگر علوم در مجموعه هخامنشی

بی شک بسیاری از علوم بایستی برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود از این علم مدد گیرند در این میان گروه های مختلف پژوهشی از جمله معماری، عمران، حفاظت و مرمت و ... در محوطه های میراث جهانی پارسه - پاسارگاد رابطه تنگاتنگی با این شاخه از علوم برقرار کرده است. علم به دانستن تعداد بازدید کنندگان اعم از داخلی و خارجی و نیز نتایج نظر سنجی کمک شایانی به بخشهای مختلف می کند. در این زمینه، مطالعات آماری انجام شده در محوطه میراث جهانی تخت جمشید در موارد زیر کاربرد داشته است.

۱ تحلیل آماری بازدید کننده و آگاهی از فصل ها، ماهها و روزهای پر بازدید و کم بازدید جهت ارتقاء خدمات رفاهی به منظور رضایت مندی آنان و نیز نیز اقدامات حفاظتی با هدف جلوگیری از آسیب های انسانی، اما مناسبت هایی نظیر نوروز باستانی و ایام تعطیلات که به صورت امری مطلق همه ساله رخ می دهند، بایستی از قبل برنامه ریزی گردد. اما عوامل دیگری هستند که به صورت نسبی برای یک سال واحد پیش می آیند و تا سال های بعد بر روی روند ورود بازدید کننده تاثیر گذارند. مسائلی همچون جنگ، عوامل اجتماعی، سیاسی و...

۲ تحلیل متوسط زمان بازدید با توجه به زمان ورود و خروج به منظور هدایت گردشگر در مدت زمان مشخص و جلوگیری از اتلاف وقت.

۳ تحلیل آمار بازدید کنندگان خارجی با توجه به نوع بازدید کننده، سن، ملیت و میانگین سنی آنان به منظور آگاهی از آنان با توجه به موارد ذکر شده، چرا که تفاوت های فرهنگی هر کشور بر نوع انتظارات آنان و در نتیجه نوع امکانات فراهم شده برای آنان تاثیر می گذارد.

۴ تحلیل فرم نظرسنجی به منظور بدست آوردن توصیفی از موارد دموگرافیک همچون سطح سواد، شغل و نقطه نظرات گردشگر در خصوص کیفیت خدمات و روابط بین آنان با هدف ارتقاء سطح کیفی و کمی.

روند ورود بازدید کننده به محوطه میراث جهانی تخت جمشید از سال ۱۳۷۶ تاکنون

محوطه‌ی میراث جهانی تخت جمشید از دیر باز تاکنون پذیرای قشر کثیری از افراد و شخصیت های برجسته و نیز گردشگران معمولی بوده است. روندی که کماکان پس از گذشت سالیان متمادی ادامه دارد. از نخستین گردشگران تخت جمشید می توان از اوریک اهل پروئن نام برد. پس از وی سفیر و دانشمند انگلیسی دون گارسیا و سیلوا فیگوروا بودند که از تخت جمشید بازدید کردند. طی سال ها گردشگران زیادی بوده اند که از این محوطه بازدید کردند که آمار دقیق آن در دسترس نیست تا این اینکه از سال ۱۳۱۰ بازدید از این مجموعه به صورت کنترل شده صورت گرفت. روندی که تاکنون نیز ادامه دارد. اما آنچه که در حال حاضر بر روی آن تحلیل صورت گرفته است آمار ده ساله از سال های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۵ به تفکیک گردشگران داخلی و خارجی می باشد.

تحلیل آماری روند ورود بازدید کننده داخلی و خارجی محوطه میراث جهانی تخت جمشید از سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۵

در بررسی تحلیلی بازدید کنندگان به مجموعه با استناد به جدول و نمودار ذیل در ده ساله اخیر شاهد روند افزایشی و کاهش گردشگر داخلی و خارجی بوده ایم. در نمودار گردشگری کل از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ شاهد روند افزایشی گردشگر و در سال ۱۳۹۲ با کاهش ده درصدی گردشگر مواجه بوده ایم. سپس از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ شاهد روند افزایشی و مجدداً در سال ۱۳۹۵ با کاهش ۱۹ درصدی نسبت به سال آنچه در اینجا بسیار قابل اهمیت است افزایش گردشگر خارجی به طور پیوسته از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۶ است. به عنوان نمونه موردی چنانچه گردشگران خارجی سال ۱۳۹۵ را مورد بررسی قرار گیرد، باید گفت: مجموعه گردشگر خارجی در تخت جمشید در سال ۱۳۹۵ معادل ۹۳۲۴۶ نفر است که از این تعداد به ترتیب: اروپا تعداد ۷۰۲۳۶ نفر، آسیا تعداد ۱۶۹۲۰ نفر، آمریکا ۳۵۸۴ نفر، اقیانوسیه ۲۰۴۰ نفر و در نهایت آفریقا با ۴۶۶ نفر در ردیف آخر قرار دارد. لازم به ذکر است این گردشگران بیشتر در ماه های اردیبهشت، مهر، آبان از مجموعه بازدید کرد داشته اند.

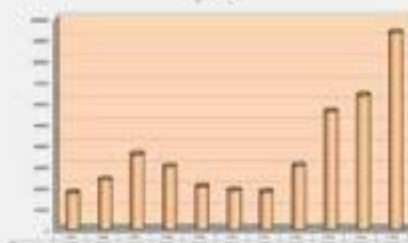
(نمودار بازدید کنندگان کل (اعم از داخلی و خارجی)
محوطه میراث جهانی تخت جمشید از سال ۱۳۸۵ تا



نمودار بازدید کننده داخلی محوطه میراث جهانی تخت
جمشید



نمودار بازدید کننده خارجی محوطه میراث جهانی تخت
جمشید



چهارمین فصل فعالیت های میان رشته ای باستان شناسی هیئت مشترک ایران - فرانسه در پاسارگاد، عهر و آبان ماه ۱۳۹۶ (فارس مرکزی در زمان هخامنشیان)

کوروش محمدخلی: سرپرست تیم باستان شناسی ایرانی هیئت مشترک ایران - فرانسه در پاسارگاد

طرح بزرگ بررسی ها و مطالعات علوم میان رشته ای در باستان شناسی در محوطه و دشت پاسارگاد، توسط هیئت مشترک باستان شناسی ایران - فرانسه، با همکاری پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان شناسی، پایگاه میراث جهانی پاسارگاد، گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران و دانشگاه لیون ۲، مرکز ملی پژوهش های علمی فرانسه (CNRS) از تاریخ ۲۵ مهر ماه ۱۳۹۶ تا ۲۸ آبان ماه ۱۳۹۸ با مجوز رسمی از پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور انجام شد. این برنامه چهارمین فصل از برنامه پنج ساله تفاهم نامه مشترک بین ایران و فرانسه در این محوطه بود که از سال ۱۳۹۴ آغاز شده است. هدف اصلی در مطالعات این هیئت مشترک، شناخت بهتر محوطه میراث جهانی پاسارگاد، شناسایی حدود پاسارگاد در دوره هخامنشیان، بدست آوردن دید کلی از سیستم احتمالی شهرسازی، پژوهش بر روی سیستم مدیریت آب و هیدرولوژی در دوره هخامنشی، بازسازی پوشش گیاهی باغ پاسارگاد به عنوان یکی از اولین باغ های باستانی از طریق مطالعات دیرین اقلیم شناسی، مطالعه چشم انداز پاسارگاد در دشت مرغاب و حفاظت بهتر از آثار این محوطه است. جهت مطالعات گسترده میان رشته ای در این محوطه از متخصصین مختلفی در علوم تلفیقی باستان شناسی از جمله: ژئوفیزیک، دیرین اقلیم شناسی، باستان گیاه شناسی، زمین باستان شناسی، هیدرولوژی، سنجش از دور و عکاسی هوایی، نقشه برداری در کنار باستان شناسان بهره گرفته شد.



در این فصل از پژوهش ها، بررسی های آرکئوژئوفیزیک با استفاده از روش مغناطیس سنجی و یک روش جدید الکترومغناطیس با استفاده از دستگاه، بررسی توموگرافی - ژئوالکترونیک و سونداژ الکتریکی در پاسارگاد استفاده گردید. در این فصل از فعالیت ها حدود ۲۵ هکتار از محوطه پاسارگاد مورد بررسی آرکئوژئوفیزیک با روش مغناطیس سنجی و الکترومغناطیس قرار گرفت. با انجام این فصل قسمت بزرگی از نقشه مغناطیسی محوطه حفاظت شده پاسارگاد تکمیل گردید. در این فصل علاوه بر تکمیل تر کردن نقشه مغناطیسی منطقه باغ پاسارگاد، گسترش بررسی های مغناطیسی به طرف آرامگاه کوروش ادامه داده شد، تا از وجود و یا عدم وجود ساختارهای زیر سطحی در بین کاخ ها و آرامگاه کوروش اطمینان حاصل شود. نتایج اولیه در این بخش منجر به کشف دو ساختار جدید ناشناخته گردید. از دوره و چگونگی این ساختارها تا تکمیل شدن مطالعات نمی توان صحبتی به میان آورد. کشف این ساختارهای جدید در این قسمت از محوطه پاسارگاد بسیار مهم است، زیرا که تاکنون هیچ اطلاعاتی از ساختارهای موجود در این قسمت بدست نیامده بوده است. برای تعیین عمق و چگونگی شکل استخر آب جنوب شرقی محوطه که قبلا در بررسی های مغناطیسی کشف گردیده بود، بررسی های ژئوالکترونیک و توموگرافی این محدوده توسط همکاران آلمانی و ایسرانی هیئت مشترک انجام شد. همچنین برای تعیین عمق کانال های آب باغ نیز، سونداژهای الکتریکی جندی در باغ سلطنتی صورت گرفت.





جهت مطالعات گیاه باستان شناسی و گرده شناسی نیز، نمونه برداری های چندی از محوطه پاسارگاد انجام شد. هدف از این مطالعات بازسازی پوشش گیاهی باغ سلطنتی پاسارگاد است. نتایج اولیه مطالعات گرده شناسی و گیاه باستان شناسی در محوطه، حکایت از وجود گرده در لایه هایی رسوبی دارد که منجر به پیگیری ادامه مطالعات و بررسی های دیرین اقلیم شناسی در این قسمت شد. مطالعات آزمایشگاهی در دانشگاه تور، ماری و لیون فرانسه خواهد شد. مطالعات زمین باستان شناسی در محوطه و دشت پاسارگاد نیز با حضور متخصصانی از ایران و فرانسه پیگیری شد و نمونه برداری های مختلفی از تراس های رودخانه پولوار صورت پذیرفت. همچنین مطالعات لندسکیپ چشم انداز باستان شناسی دشت پاسارگاد با حضور متخصصان باستان شناسی چشم انداز از ایران، فرانسه و ایتالیا دنبال شد.

بررسی های باستان شناسی و چشم انداز تدفینی دشت پاسارگاد و سیستم مدیریت آب و هیدرولوژی دشت در قالب مطالعات چشم انداز دنبال گردید. در این فصل بررسی های توپوگرافی باستان شناسی محوطه حفاظت شده پاسارگاد دنبال گردید و نقشه دقیق توپوگرافی باستان شناسی محوطه تکمیل گردید. همچنین بررسی های توپوگرافی در دشت پاسارگاد نیز انجام شد و نقشه های دقیقی تهیه گردید.

بررسی های علوم میان رشته ای در باستان شناسی در محوطه میراث جهانی پاسارگاد یکی از بزرگترین طرح های در دست اجرای سازمان میراث فرهنگی کشور است که با حضور متخصصان ایرانی و بین المللی انجام می شود. بررسی های آرکئوزئوفیزیکی در این محوطه از سال ۱۳۷۸ به سرپرستی دکتر رمی بوشارلا آغاز شده است. در دور دوم تفاهم نامه مشترک میان دانشگاه لیون ۲ فرانسه و پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور سرپرستی پژوهش ها به عهده دکتر کورش محمدخانی از دانشگاه شهید بهشتی تهران و دکتر سباستین گندت از مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه، دانشگاه لیون ۲ است. این تفاهم نامه پنج ساله از سال ۱۳۹۴ آغاز شده و تا سال ۱۳۹۹ ادامه خواهد داشت.



گزارش مقدماتی بقایای اسکلت های انسانی شناسایی شده از آبراه های تخت گاه تخت جمشید

مریم رمضانی؛ دکترای استخوان باستان شناسی

درآمد

در طول سومین فصل کاوش آبراهه های تخت جمشید، بقایای چندین اسکلت انسانی در آبراه خاوری بنای مرسوم به دروازه ناتمام و آبراه حیاط جنوبی کاخ تچر شناسایی شد. به منظور بررسی وضعیت این اسکلت ها، مطالعات ابتدایی در خود پایگاه تخت جمشید صورت گرفت و سپس جهت انجام مطالعات تکمیلی به آزمایشگاه ژنتیک نور (دکتر تولایی) فرستاده شدند. هدف اولیه گروه انسان شناسی تخت جمشید در این فصل، کاوش، تجزیه و تحلیل بقایای استخوانی و دندانی، مطالعه ویژگی های متریک و غیر متریک، ارزیابی جنسیت، سن و قد بود. به منظور دستیابی به اهداف مذکور، تمامی استخوان ها در طول کاوش به صورت برجای شماره گذاری، عکاسی شده و سپس ثبت و ضبط گردید.

بقایای استخوان های شناسایی شده آبراه خاوری دروازه ناتمام

کاوش در آبراه خاوری دروازه ناتمام منجر به شناسایی یک تدفین دسته جمعی گردید. در کنار بقایای اسکلت های انسانی، بقایای چندین استخوان حیوانی نیز یافت شد که این امر بیانگر دفن حیوانات همراه متوفی بوده است (تصویر ۱ و ۲). در مجموع بقایای حدود هشت اسکلت انسانی از آبراه خاوری دروازه ناتمام شناسایی شد که از این تعداد، پنج نفر بالغ و دو نفر کودک های حدود ۷-۸ ساله و ۴-۵ ساله بودند. پس از مطالعه مشخص شد که احتمالاً به غیر از یکی از آنها، بقیه افراد بعد از مرگ در این محوطه قرار گرفتند. یکی از افراد در دو اندام خود دارای شکستگی حول و جوش مرگ بوده است که احتمالاً علت مرگ همان شکستگی و متعاقباً خونریزی بعد از آن بوده است. یکی از افراد دارای استئوپیت خفیف در ستون مهره ها بوده است که نشان از کمر درد این فرد داشته است. شوریختانه، با تمام دقتی که در کاوش این اسکلت ها صورت گرفت هیچ گونه مواد فرهنگی مرتبط با این بقایا بدست نیامد. لازم به ذکر است که بقایای جانوری نیز با دقت کاوش شده و در حال مطالعه است. در پایان کاوش، در انتهای آبراه مذکور یک اسکلت انسانی که به صورت خوابیده به سمت چپ دفن شده بود، نیز شناسایی گردید که به دلیل اتمام زمان پروژه، کاوش آن به فصل بعد موکول شد.

بقایای استخوان های شناسایی شده از آبراه حیاط جنوبی تچر

در طول کاوش آبراه حیاط جنوبی تچر نیز بقایای یک اسکلت انسانی شناسایی شد. مطالعات اولیه نشان داد که این اسکلت متعلق به فردی مذکر است که سن آن حدوداً بین ۲۵-۳۰ سال است (تصویر ۴). قابل ذکر است، هیچگونه مواد فرهنگی شاخصی که به تاریخگذاری نسبی بقایای اسکلت های انسانی شناسایی شده از آبراهه ها کمک کند، بدست نیامد. بنابراین در طول مطالعه بقایای مذکور، ابتدا تلاش خواهد شد تا با روش های مدرن آزمایشگاهی یک تاریخ دقیق برای آنها ارائه شود. از اهداف دیگر، مطالعات ژنتیکی جهت مشخص کردن نسبت ژنتیکی اسکلت های انسانی یافت شده در آبراه خاوری دروازه ناتمام است.

تصویر ۲
جمجمه شناسایی شده از
آبراه خاوری دروازه ناتمامتصویر ۱
بقایای اسکلت های انسانی و
حیوانی شناسایی شده
از آبراه خاوری بنای
مرسوم به دروازه ناتمامتصویر ۳
بقایای اسکلت انسانی
شناسایی شده از آبراه
حیاط جنوبی کاخ تچرتصویر ۴
یکی دیگر از جمجمه های
شناسایی شده از آبراه
خاوری دروازه ناتمام

اجرای محوطه سازی محور ورودی تخت جمشید (موقعیت: ضلع جنوبی کیت نا هتل آبادانا)

گروه عمران، ساماندهی و برنامه ریزی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

هدف:

- ۱ ساماندهی محور ورودی
- ۲ ایجاد مسیرهای دسترسی، فضاهای خدماتی موجود در این موقعیت سایت
- ۳ ایجاد فضای انتظار
- ۴ توجه به معماری هخامنشی
- ۵ سادگی در طرح
- ۶ عملکرد مناسب

شرح عملیات:

در شرح ایجاد فضای انتظار بیان می شود: ایام تعطیل ازدحام بازدید کنندگان را به دنبال دارد و این ازدحام همیشه مشکلات جدی را برای سایت به دنبال داشته نظیر کنترل سخت بازدید کنندگان که منجر به آسیب آثار شده و از طرفی از نظر فضای خدماتی بازدید کنندگان سایت دچار مشکل می گردند.

از این رو در پی راهکاری برآمده تا در زمان هایی که آستانه تحمل سایت از حد معمول فراتر میرود بازدید کنندگان را در محوطه پایین صفا در حالت انتظار نگهداریم تا آستانه تحمل به وضعیت معمول خود برگردد و این اقدام مستلزم ایجاد فضاهای انتظار است تا بازدید کنندگان را در خود جای بدهد، فضاهایی که می بایست پاسخگوی نیازمندی های بازدید کنندگان باشد و زمان انتظار را مفید نماید. از این رو در بستر فضاهای سبز موجود، فضای ساده و ساماندهی شده همراه با مبلمان، طراحی گردیده و در تلاش شد نیازمندی های سایت و بازدید کنندگان به موازات هم، مد نظر قرار گیرد و در نتیجه پایان طرحی ساده و همخوان با معماری محوطه اجرا گردد. از طرفی وضعیت نابسامان و نیازمندی مبلمان محور ورودی و همچنین نیازمندی مسیر دسترسی به سرویس بهداشتی موجود در این موقعیت از سایت، از اهداف طرح محوطه سازی بود که در ارائه کار لحاظ گردید.

موضوع قرارداد: انجام عملیات محوطه سازی ورودی تخت جمشید

مدت قرارداد: ۴ ماه

مبلغ قرارداد: ۲.۴۸۰.۶۱۰.۱۰۲

به حروف: دو میلیارد و چهارصد و هشتاد و یک میلیون و شصت و دو هزار و صد و دو ریال

ناظر معماری: ابوذر دهقانی

ناظر عمرانی: سجاد طهماسبی



گزارش لوله گذاری

گروه عمران، ساماندهی و برنامه ریزی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

در سال های گذشته مخصوصا در زمستان سال ۱۳۹۵ همزمان با بازدید گردشگران از میراث جهانی تخت جمشید در فصل های بارندگی سال، باران در قسمت ورودی پلکان اصلی مجموعه جمع شده و موجب بروز مشکل در تردد بازدید کنندگان به محوطه تخت جمشید می گردید. بر همین اساس، چالش مزبور، دفتر فنی و برنامه ریزی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید را بر آن داشت که قبل از فرا رسیدن فصل زمستان و بارش باران این معضل هر چه سریعتر بر طرف گردد تا در زمستان سال ۱۳۹۶ این مشکل مجددا تکرار نگردد. بنابراین کارشناسان دفتر فنی با تهیه طرح اجرایی و لوله گذاری در این خصوص و تصویب طرح در کمیته فنی به اجرای طرح با هدف انتقال آب های سطحی از ورودی تخته گاه به سمت جنگل پردیس با برآورد اولیه هزینه ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال و مدت اجرای یکماه با انتخاب پیمانکار، نسبت به انجام کار اقدام نمود.

خلاصه طرح اجرایی

هدف طرح، انتقال آب های سطحی از محوطه ورودی اصلی تخته گاه به جنگل پردیس جهت تردد راحت و ایمن بازدید کنندگان شرح عملیات، این عملیات با اجرای حدود ۱۳۰ متر لوله گذاری از نوع کاروگیت به قطر اسمی ۳۰۰ میلیمتر و با اجرای ۴ عدد منهول چیده شده از بلوک و شیب استاندارد لوله گذاری شروع گردید

دستگاه اجرایی: پایگاه میراث جهانی تخت جمشید
دستگاه نظارت: دفتر برنامه ریزی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید
ناظر معماری: ابودر دهقانی
ناظر عمرانی: سجاد طهماسبی و کورش خوشنام فر
پیمانکار: شرکت کتیبه پایدار (سهامی خاص)



بایش علمی دیواره شمالی تختگاه با ابزار دقیق نقشه برداری

زهرا مروئی پور، علی آفره : کارشناسان دفتر بایش پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

بایش فنی تداوم بردیدن و پرسیدن درباره یک شی مصنوعی یا طبیعی است که برای رسیدن به وضعیت شی با اثر و شناسایی نحوه و نوع عوامل مخرب در آن کمک می کند. در فرآیند بایش و مستند نگاری پس از کسب اطلاعات و داده ها، شواهد و مستندات فنی مناسب، کافی و کارآمد میتوان وضعیت اثر را با متخصصین ارجع در خصوص کاهش و یا توقف اثرات نامطلوب بر اثر مطرح و در نهایت این مسیر به ارائه طرح های پیشگیرانه منتهی نمود.

بایش محوطه ها، بناها، یادمان های تاریخی و... و همچنین شناسایی و اندازه گیری آلودگی های محیطی مبنای تصمیم گیری در مدیریت ذخایر تاریخی است. قضاوت صحیح و برنامه ریزی اصولی جهت کاهش تاثیر آسیب ها بدون اتکاء بر اندازه گیری های مطمئن با کمک سیستم های نوین و توانمندی آن ها در بایش ممکن نیست. بایش علمی یا مانیترینگ اثر تاریخی نیازمند تداوم و همگرا شناسی آن است و همچنین تداوم بر نظارت، ارزیابی و تهیه گزارش امر اصلی بایش علمی است.

دفتر بایش میراث جهانی تخت جمشید با وجود انجام فعالیت های خود در سال های گذشته دردی ماه ۱۳۹۶ دوباره فعالیت خود را از سر گرفت. با توجه به عملکرد مهندسی روز دنیا و همچنین استفاده گسترده از علم فتوگرامتری در ابتدای شروع فعالیت دفتر، دیواره شمالی تختگاه با استفاده از فتوگرامتری برد کوتاه مستند نگاری گردید. هدف اصلی پروژه شناسایی، سنجش و بررسی وضعیت گذشته، حال و آینده دیواره شمالی و همچنین شناسایی، آنالیز آسیب های موجود بر کالبد اثر می باشد. پس از بازدید، پیمایش و انجام مراحل مقدماتی پروژه برای دستیابی به نتیجه بهتر و منطبق بر علم، پلان برنامه ریزی و نظارت مکرر دیوار تدوین گردید.

در فرآیند بایش، مستندات حاصل از پیمایش ۱۰ روزه به شرح زیر ارائه گردیده است:

۱. فیلم از ارتفاعات ۱۲۰ و ۸۰ و ۳۰ متر دیوار شمالی با کیفیت 4k به منظور دید منظر دیوار شمالی
۲. تصاویر از چهار طرف دیواره شمالی به صورت موازی با دیوار و با زاویه دید هوایی به منظور سطح سنجی و افقی دیوار
۳. ارتوفتو از ارتفاع ۵۰ متری دیواره شمالی به منظور شناسایی عوارض موجود بر سطح و کارتوگرافی شکستگی دیوار
۴. توپوگرافی به منظور شناسایی وضعیت پستی و بلندی زمین
۵. مدل ارتفاعی DMT به منظور شناسایی عدد مساحت محدوده با استفاده از پهنه رنگی
۶. اورتو عمود بر دیواره به منظور شناسایی ارتفاعات دیوار، آسیب ها و کارتوگرافی دیوار

ردیف	شرح عملیات	استفاده مورد استفاده	زمان عملیات	مستندات خروجی	تشریحات	جنبه ایجاز زمان انجام و مستندات عملیاتی
۱	بازدید به صورت مستقیم	آوردن تصویر برداری کتون	۱۰ روز	عکس - عکاز - اسکناس - گروهی	مشاورش آسیب و پیش بینی وجود کالبد	هر ماه، ۱۰ روز
۲	فتوگرامتری برد کوتاه از دیواره	پهناک فتو ۴	۱۰ روز	از توجیه دیواره با دقت اسکناس متر تعداد هر پیکسل	شناسایی شکسته ها و تخته های آسیب	هر سه ماه، ۱۰ روز
۳	فتوگرامتری برد کوتاه به صورت پلان و توپوگرافی	پهناک فتو ۴	۱۰ روز	از توجیه پیکسل دیواره و از اسکناس با کاج های مجاور با دقت اسکناس متر تعداد هر پیکسل	شناسایی عوارض وجود عوارض مصنوعی	هر سه ماه، چهار روز



پروژه نامین کالا، نصب، گشازی و ساماندهی مسیر دسترسی ورودی تخت جمشید (حدفاصل میدان ملل تا گیت ورودی مجموعه تخت جمشید)

گروه عمران، ساماندهی و برنامه ریزی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

هدف:

شرح عملیات:

- ۱ ساماندهی مسیر ورود به مجموعه تخت جمشید
- ۲ مناسب سازی مسیر جهت بازدید معلولین از مجموعه تخت جمشید
- ۳ تفکیک مسیر پیاده و سواره پا در نظر گرفتن حداقل ارتفاع ایمن در مسیر پیاده
- ۴ فرهنگ سازی در جهت هوایی پاک با ایجاد مسیر دوچرخه
- ۵ به لحاظ بار معنایی ایجاد مسیر ارزش و احترام با محوریت معماری هخامنشی و توجه به مجموعه میراث جهانی تخت جمشید

شرح عملیات:



محور ورودی تخت جمشید با گذشت زمان در چند مرحله شکل گرفته است. در گذشته نه چندان دور بعنوان بخشی از مسیر ارتباطی شهرهای شیراز به اصفهان بوده، تا اینکه با ایجاد محورهای ارتباطی جدید بین شهرهای یاد شده، این محور به محوطه میراث جهانی تخت جمشید، اراضی کشاورزی و روستاهای پیرامون محوطه تخت جمشید اختصاص می یابد. گذشت زمان و بیدایش نیازمندی های جدید و همچنین با به وجود آمدن حس حفاظت و صیانت هر چه بیشتر از آثار گرانبهای به جای مانده از گذشتگان لزوم ایجاد مسیر ارتباطی با توجه به ارائه ساختارهای همخوان با سایت تاریخی را به وجود آورد. و امروز با ایجاد این محور پیوندی میان دنیای مدرن و محوطه تاریخی برقرار شده است و از طرفی پاسخگویی نیازمندی های گردشگران داخلی و خارجی و همچنین دستداران میراث جهانی تخت جمشید نیز می باشد.

از این رو طرحی به منظور بهسازی و ارائه خدمات رفاهی مناسب و بهتر به بازدیدکنندگان توسط مهندسين مشاور تهیه گردید. پس از ارائه و بررسی طرح در شورای راهبردی با اجرای ۲۰۰ متر طول، طرح پایلوت محور ورودی اجرا گردید.

هدف از اجرای طرح پایلوت سنجش، ارزیابی و شناسایی نقاط قوت و ضعف طرح و متریاال به کاررفته در آن و همچنین میزان پاسخگویی طرح به نیازمندی های گردشگران بود. اکنون با آنالیز و ارجعیت نقاط قوت طرح پایلوت، فاز اول طرح بهسازی محور ورودی محوطه میراث جهانی تخت جمشید به طول ۳۰۰۰ متر را شاهد هستیم.



مرمت کتیبه آجرهای لعاب‌دار کاخ ملکه تخت جمشید

شهرام رهبر، کارشناس ارشد حفاظت و مرمت

متأسفانه این تابلوها کمتر مورد توجه مرمتگران قرار گرفته بود تا اینکه در سال ۱۳۸۳ این تابلو مورد توجه کارشناس آثار تاریخی شاغل در پایگاه قرار گرفت. در اقدامات سال ۱۳۸۳ مهندس ناهید هرانی اقداماتی مفیدی برای حفاظت و مرمت این کتیبه‌ها انجام دادند. بخش زیادی از آلودگی‌ها پاک‌سازی شد و یکی از اقدامات مهم انجام‌شده، ایجاد شیشه سکوریت محافظ روی تابلوها بود. اما روند آسیب‌ها ادامه داشت. به دلیل فاسدشدن بخش زیادی از ملات آجر شده در این ۲ تابلو حفره‌های زیادی به وجود آمده بود و حشرات زیادی در بین درزها و شکاف‌ها زندگی می‌کردند که هم آسیب‌های شیمیایی و هم آسیب‌های فیزیکی را به دنبال داشت. این در حالی است که وجود حشرات و حرکت آن‌ها روی آجرها از لحاظ منظری پست‌نیده نیست. از این روی حفاظت و مرمت این کتیبه‌ها در دستور کار پایگاه میراث جهانی تخت جمشید قرار گرفت.

در اردیبهشت ۱۳۹۶ دوباره کار مرمتی روی آجرهای لعاب‌دار موجود در راهرو بخش اداری آغاز شد. ابتدا مستند نگاری که شامل برداشتن تصاویر لازم بود انجام پذیرفت. تصاویر تخت برای انجام مراحل آسیب نگاری نیز تهیه شد. آسیب‌های موجود در تابلو آجر لعاب‌دار، روی طرح‌های آسیب نگاری منتقل شد. قبل از اقدامات اجرایی، طرح‌های آسیب نگاری و مستند نگاری تهیه شد. در مرمت‌های جدید ابتدا اقدام به پاک‌سازی سطحی شد.

استفاده از آجرهای لعاب‌دار قبل از هخامنشیان رایج بوده و در زمان ایلامیان در برخی بناها استفاده شده است. پس از ایلامیان در دوره هخامنشیان استفاده از آجر لعاب‌دار دوباره مرسوم شد. ابتدا در کاخ آپادانا شوش آجرهای لعاب‌دار در حجم زیاد بکار گرفته شد. پس از تجربه ساخت و استفاده از آجرهای لعاب‌دار در شوش هنگامی که داریوش قصد بنای تخت جمشید را نمود برای زیبا و شکوهمند ساختن هر چه بیشتر ساختمان‌ها و کاخ‌های بناشده، در نمای این بناها از آجرهای لعاب‌دار استفاده نمود.

داریوش بزرگ بین سال‌های ۵۱۶ تا ۵۱۸ ق.م ساخت بنای تخت جمشید را آغاز نمود و بخش‌هایی از این مجموعه بنا هنوز کامل نشده بود که اسکندر مقدونی آن را در ۳۳۰ پ.م به آتش کشید و ویران ساخت. با آتش‌سوزی مهیب در تخت جمشید به احتمال زیاد سقف‌های چوبی به یک باره فروریخت و باعث تخریب دیوارهای تزیین‌شده گردید. فروریختن دیوارهای سترگ باعث دفن شدن تعداد بسیار زیادی آجر لعاب‌دار گردید.

پروفسور ارنست هر تسفلد هنگام خاک برداری کاخ آپادانا در سال‌ها ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ هجری شمسی در خاک‌های آوار حیاط شمالی و شرقی آپادانا تعداد بسیاری آجر لعاب‌دار به آجرهای به دست آمده روزگاری زینت‌بخش دیوارهای تالار مرکزی کاخ آپادانا بوده است. تعدادی از این آجرها در زمان هر تسفلد به صورت دو تابلوی مونتاژ شده بر روی دیوار بیرونی مجموعه بازسازی‌شده کاخ ملکه و روبروی مجموعه کاخ‌های خزانه نصب‌شد.



پاک‌سازی‌های ابتدایی با برس‌های مویی بسیار نرم انجام شد. لانه حشرات و فضولات پرندگان با روش مکانیکی و با استفاده از آب مقطر تمیزکاری شد. برداشتن ملات‌های فرسوده نیاز به ظرافت و تبحر خاص داشت. این اقدام به وسیله ابزار مناسب نیز انجام شد. لازم بود قبیل از ملات گذاری حاشیه آجرها یا مواد مرمتی تثبیت شود. بعد از تثبیت بخش‌های مورد نظر، بندکشی با گچ و دانه‌های تیتان انجام شد. توضیح اینکه دانه‌های تیتان به منظور دانه‌بندی مناسب در گچ دندانپزشکی استفاده شد. با توجه به اینکه ملات اصلی از گچ دندانپزشکی است جایز نیست ملات تهیه‌شده به طور مستقیم روی اثر تاریخی اجرا شود. بدین منظور قبل از اجرای بندکشی تمامی سطوحی را که باید با ملات پوشش داده می‌شد با پریمال ۳ درصد تثبیت شد. شایان‌ذکر است حفاظت و مرمت ۲ تابلو آجر لعاب‌دار هخامنشی از ابتدای مستند نگاری تا اتمام مرمت توسط یک گروه از مرمتگران تخت جمشید به مدت ۴ ماه انجام و به پایان رسید.

مجری: پایگاه میراث جهانی تخت جمشید
مسئول گروه حفاظت و مرمت و ناظر کارگاه: شهرام رهبر
مرمت کار و سرپرست کارگاه: محمد رضا رنجبر



بست های دم چلچله ای در تخت جمشید

مسعود رضایی منفرد: کارشناس ارشد، مهندسی سازه و دکترای مدیریت بحران
عبدالعظیم شاه کرمی: دکترای عمران

مقدمه

تخت جمشید علاوه بر اینکه تنها یادگار ایران بزرگ و یادبود دوران شکوه و سرافرازی شهریاران عظیم الشان پارس می باشد، یک سند گرانبها و گویایی از هنر و فرهنگ ریشه دار و برجسته ی دنیای کهن است (شهبازی، ۱۳۸۴). موضوعی که تخت جمشید را در زمان خود و در دیگر زمان ها از سایر آثار تاریخی جهان متمایز و ممتاز می سازد. تجمیع هنرهای دیگر مثل و البته ایران است. مهندسی در تخت جمشید به حد اعلاء خود رسیده، به طوری که در تمام زمینه های مهندسی از جمله مهندسی سازه، زلزله، زمین شناسی، معماری، مهندسی سنگ و... پیشتاز بوده است و البته هرگز بدون داشتن چنین علومی که با هم مجتمع گردیده است امکان آفرینش چنین اثری امکان پذیر نخواهد بود.

سرزمین ایران از دیدگاه روندهای تکاملی پیدایش و بهره برداری مصالح دارای تاریخی باستانی و پیوسته است. از دوران های پیش از تاریخ مدون، این سرزمین باستانی شاهد تازه جوی های ساکنان نخستین آن و پیدایی و برآوردن و بهره گیری آنان از مواد بسوده است. در دوره های تاریخی نیز، ایران علاوه بر آنکه جایگاه پیدایی مواد و مصالح تازه دارنده ی کان ها و ذخائر فراوان بوده است، به علت موقعیت جغرافیایی ویژه خویش گذرگاه موج های تمدن های باستانی چون میانرودان، چین، مصر، یونان و روم نیز به شمار آمده است.

تاریخچه

مدارک باستانی و نظرات باستان شناسی چنان می گوید که شمال و بخش میانی ایران یکی از باستانی ترین مراکز صنعت فلز در جهان است. طبیعی است که صنعت فلزات در جاهایی که در آن معادن مختلف یافت می شده، پیشرفت می کرده است، و از این رو ایران سرزمینی بسیار غنی بوده و مردمان این سرزمین از نخستین صنعت کاران فلز به شمار آمده اند. از ایران زمین، دانش فلزکاری و صنعت فلزات به مرز و بوم های دیگر از جمله آسیا، آفریقا و اروپا رفته است. به نظر می رسد که نخست ساکنان این بخش با چکش کاری مس از آن ابزارهای گوناگون را می ساختند.

در هزاره چهارم پیش از میلاد مس هنوز هم برای ساختن جنگ افزار، ابزارهای آرایشی و دیگر ابزارها بکار می رفته. در نیمه دوم آن هزاره دگرگونی هایی در تکنولوژی فلزات پدید آمد و در این دوره مس از سنگ معدن با ذوب کردن جدا گردید.

در قدیم نواحی کرمان و بلوچستان از جمله معادن عمده مس به شمار می آمده اند و اخیراً در این نواحی کوره های ذوب مس نیز یافت شده است.

ابزارهای مسی هزاره چهارم پیش از میلاد مقادیری زر، سیم، سرب، آرسنیک، آنتیموان، نیکل و قلع همراه داشته اند. آمیختن فلزها و تشکیل آلیاژهای گوناگون این توفیق را داد که آلیاژهایی چون مفرغ یا برنز با مقاومت و سختی زیاده تر از مواد متشکله شان ساخته شود. همچنین به نظر می رسد که از ۲۵۰۰ پیش از میلاد به بعد در آمیختن فلزات و بست آمدن آلیاژها از طرف فلزکاران کنترل هائی اعمال گردیده باشد.

ابزارهای سنگی که در آغاز دوره مس بکار می رفت، نرم نرم جای خود را به ابزارهای فلزی چون تبرهای فلزی داد.

مصالح به کار رفته در تخت جمشید



تصویر ۱: تصویر سه بعدی بست فلزی

یکی نوع از اتصالات قطعات سنگ بوسیله ریختن فلز مذاب به درون گودی برش‌ها و بعد از آن فرو بردن قطعات در درون فلز مذاب صورت گرفته است. قطعاتی که در درون فلز مذاب فرو برده می‌شود به صورت قرینه ساخته می‌شود تا جفت و بست بهتری نسبت به فلز داشته باشد. (تصویر ۱) نوع دیگر اتصال قطعات دوباره سازی شده که در سطوح عمودی به کار رفته و بسیار مرسوم بوده ولی بسیار کمتر به چشم می‌آید، اتصال توسط میله‌های فلزی بسیار باریک و بلندی است که از کنارهای سنگ اصلی بصورت مورب به درون قطعات دوباره‌سازی شده عمودی فرو می‌رود و یا از درون قطعات دوباره‌سازی شده تا دل سنگ اصلی پیش می‌رود. طول میله‌ها حدوداً از ۱۵ تا ۳ سانتی‌متر و به قطر بسیار باریک ۵ تا ۳ میلیمتر می‌باشد، عمقی که میله‌ها درون سنگ اصلی فرو رفته است در

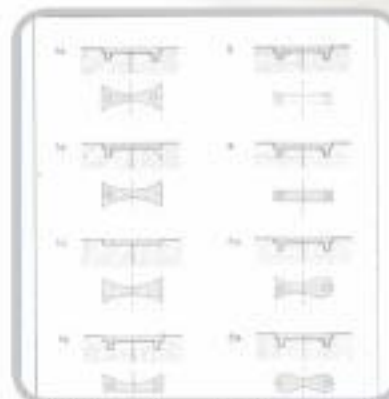
حدود ۱ سانتی‌متر و کمتر است. در کنارهای سنگ به فاصله حدود ۱۰ سانتی‌متری از درز بین دو سنگ و همچنین عمق میانگین ۷ سانتی‌متر این گوده‌ها زده می‌شود. فرم گوده‌ها به صورتی است که بعد از کوبیده شدن میله فلزی در درون روی گوده‌ها آن‌ها لایه‌ای از فلز مذاب ریخته شده به صورتی که تخت و هم سطح با سنگ گردد. این گونه اتصالات به منظور جلوگیری از باز شدن رگه‌ها و ترک‌های سنگ استفاده شده است. فرم این اتصالات گوناگون است. گویا نسبت به دوره‌های مختلف فرم‌نمایی این گونه اتصالات متفاوت می‌باشد. این گونه اتصالات علاوه بر تخت جمشید، در شهر استخر، کعبه زرتشت (در نقش رستم)، پاسارگاد و همچنین در یونان در مجموعه آکروپولیس مشاهده می‌شود. (محمودزاده، ۱۳۸۱)

بست فلزی (بست های دم چلچله ای)

یکی از مصالحی که در تخت جمشید استفاده شده بست های فلزی موسوم به بست های دم چلچله ای است. استحکام تخته سنگ‌های نمای صفا تخت جمشید با یکار بستن بست های آهنی که در سرب قرار می‌گرفت (که در حال حاضر از بین رفته است)، افزایش می‌یافت. این بست ها سنگ‌های بالای دیوار را در تمام طول آن بهم پیوسته و جفت می‌کرد. سوراخ‌هایی که برای کندن و برداشتن بست های آهنی توسط دستبردزندگان آن‌ها بر جا مانده نشان می‌دهد که بعضی از سنگ‌های جبهه صفا نیز با بست های فلزی معلوم می‌شود و بعضی سنگ‌های دیوار که برای محل دیگری در نظر گرفته شده بود در بعضی نقاط دیگر یکار رفته است. (اشمیت، فردریک اریش ترجمه فریار، عبدالله و مصطفوی، سید محمد تقی، ۱۳۴۲)

تصویر ۲: نمونه بست های دم چلچله ای تخت جمشید،
مرمت های دوره هخامنشی

(محمودزاده، ۱۳۸۱) (آرشو بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد ۱۳۹۲ - ۱۳۸۰)



تصویر ۳: مقطع و برش انواع بستهای دم چلچله ای

(اشمیت، فردریک اریش ترجمه فریار، عبدالله و مصطفوی، سید محمد تقی، ۱۳۴۲)

بست های فلزی و یا اتصالات به دلایلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. که شامل موارد زیر است:

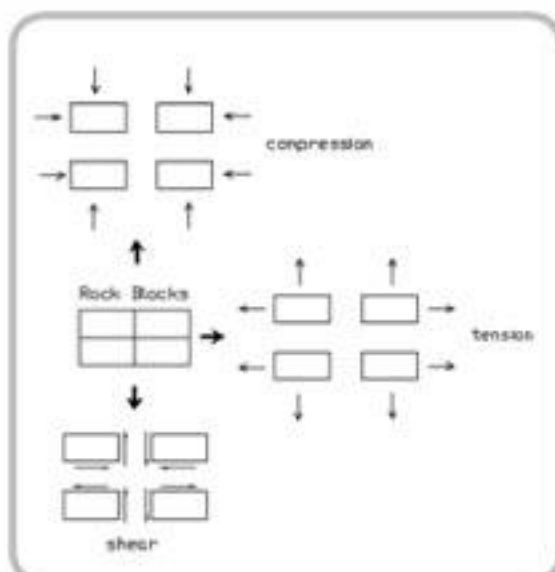
۱ از بین بردن نقص، آسیب و یکدست کردن سنگ‌ها

الف) آسیب‌هایی که می‌توانسته مربوط به خود سنگ بوده باشد، مانند: رگه، ترک و شکاف‌های سنگ.
ب) آسیب‌هایی که در هنگام استخراج و حمل و در هنگام پرداخت بر سنگ‌ها وارد آمده است مانند: لب پر شدن، شکسته شدن، ضربه خوردن است که در واقع آسیب‌های انسانی است.

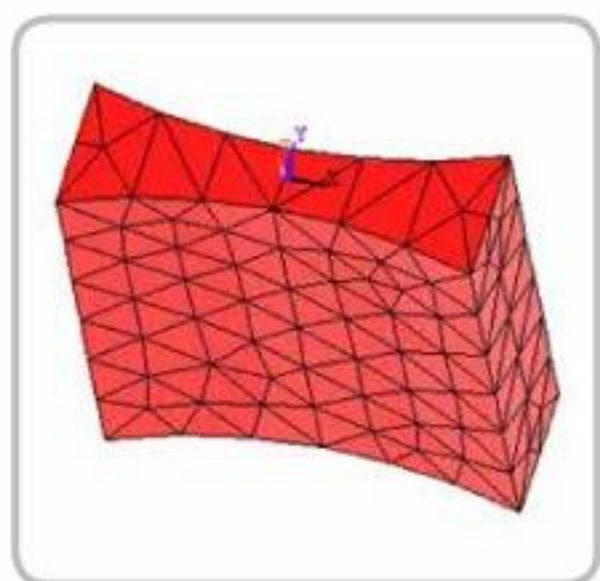
۲ زیاتر نمودن و تزئین مجدد

بلوک های تشکیل دهنده دیوارها توسط بست های دم چلچله ای فلزی به هم متصل شده‌اند به طوری که وظیفه تحمل و انتقال بار را در هنگام کشش عهده دار می‌باشند. در هنگام فشار، این وظیفه بر عهده ی خود بلوک های سنگی می‌باشد. در هنگام برش (حرکت برشی بین بلوک‌ها) ترکیب بلوک های سنگی (اصطکاک بین بلوک‌ها) و بستهای دم چلچله ای این عمل را انجام می‌دهد. البته تنها برش در صفحه افق توسط بست ها کنترل می‌شود و این بست ها قدرت کنترل برش در صفحات قائم را ندارند. این بست های فلزی نقش آرماتور را در بتن مسلح ایفا می‌نماید.

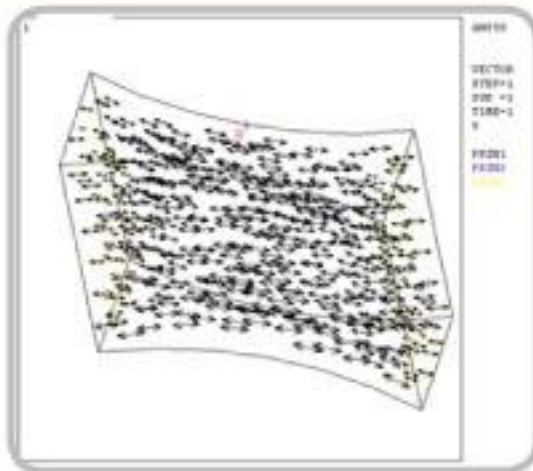
فصل مشترک مجموعه بلوک های تشکیل دهنده دیوارها تحت سه نوع بار کششی، برشی و فشاری می‌تواند قرار بگیرد. اگر فشاری به دیواره وارد می‌شد بدون استفاده از بست های دم چلچله ای بار وارده مهار می‌شد (بار تا حد تحمل مجموعه سنگی)، اما در وضعیتی که بار وارده کششی است با توجه به مجزا بودن بلوک های سنگی، هیچ بار کششی قابل تحمل نمی‌باشد. در وضعیت برش، حالت بینابین دو حالت ذکر شده اتفاق می‌افتد. به طوری که درصدی از بار برشی در سطح تماس بلوک‌ها توسط بست های دم چلچله ای و باقی آن توسط اصطکاک بین بلوک‌ها کنترل می‌گردد. برای بررسی نقش بست های دم چلچله ای در میان ۲ بلوک در برگزیده آن، یک مدل عددی (finite element) شامل دو بلوک و بست دم چلچله ای میان آن ساخته شده است. هدف از تهیه این مدل، بررسی رفتار بلوک‌ها و بست دم چلچله ای میان آن در هنگام کشش است. از طرفی به علت محدودیت روش المان محدود در مدلسازی درزها، در محل اتصال دو بلوک چسبندگی در نظر گرفته شده است اما با این حال، به علت تفاوت در صلبیت مواد سنگی و فلزی، نقش بست دم چلچله ای در بین دو بلوک کاملاً مشخص شده است. در این مدل به انتهای یک بلوک تنش کششی وارد شده. جابجایی‌های ناشی از این تنش کششی در شکل مربوطه نمایش داده شده است. با توجه به این جابجایی‌ها و شکل‌های مربوط به تنش‌های اصلی و تنش در راستای محور X ، کاملاً مشخص است که بیشترین تنش در بست دم چلچله ای به وجود می‌آید و بار کششی قابل ملاحظه ای توسط این بست دم چلچله ای کنترل می‌شود.



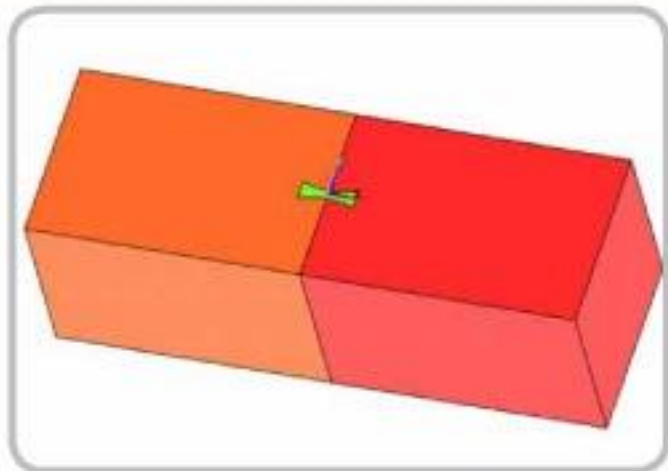
تصویر ۴: رفتار بلوک های سنگی در مقابل تنش، کشش، برش و فشار (شاه کریمی، ۱۳۸۳)



تصویر ۵: مدل من بندی شده بست فلزی

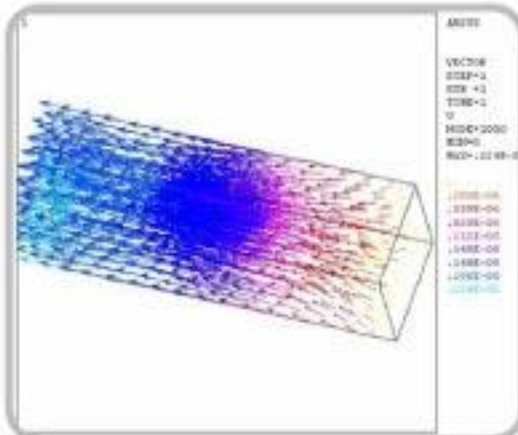


تصویر ۶: نمایش برداری بست های فلزی

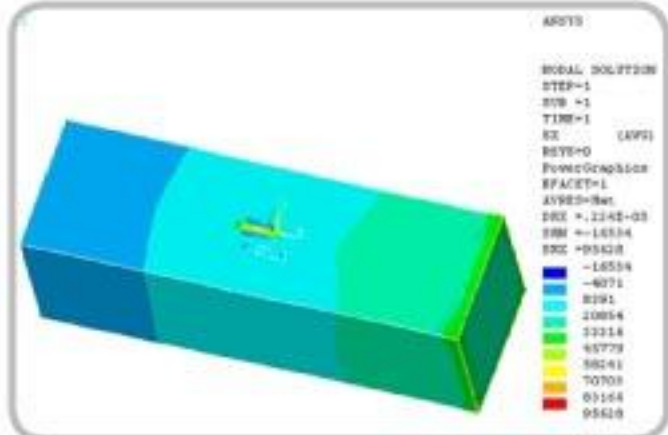


تصویر ۷: نمایش اتصال قطعات با بست فلزی

نگنه قابل توجه اینکه بست های مذکور از هسته فولادی تشکیل شده که اطراف آن سرب ریخته می شود.



تصویر ۹: جایجایی ناشی از تنش کششی در بلوک ها و بست جلجله ای

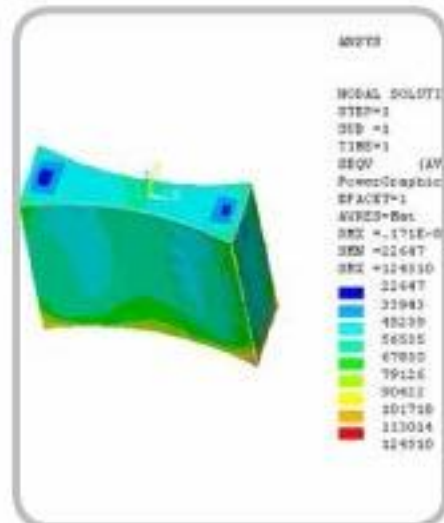


تصویر ۸: وضعیت بست فلزی در اتصال بین دو قطعه سنگ

در حالت طبیعی که چسبندگی میان بلوک های سنگی وجود ندارد و تنها اتصال اصطکاکی برقرار است هیچ کششی مستقیم از سنگ به سنگ منتقل نمی شود و تمام این تنش کششی توسط بست دم جلجله ای منتقل خواهد شد.
(رضایی منفرد، ۱۳۹۰)

منابع:

۱. (ارشو بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد، ۱۳۹۲ - ۱۳۸۰)
۲. اشعیت، اریش. ف. ترجمه فریار، عبدالله و مصطفوی، سید محمد تقی، اسفند ۱۳۲۲، تخت جمشید ۱ بناها، نقشها، نقشه ها، انتشارات امیرکبیر
۳. شاهپور شهسبازی، علیرضا، ۱۳۸۴، راهنمای مستند تخت جمشید، بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد
۴. رضایی منفرد، مسعود، ۱۳۹۰، پایان نامه کارشناسی ارشد، «بازخوانی مهندسی سازه در محوطه میراث جهانی تخت جمشید با استفاده از تحلیل عددی (اجزاء محدود)» دانشگاه علوم و تحقیقات فارس، شیراز
۵. محمودزاده، امین، ۱۳۸۱، بررسی مرمت های هخامنشی، بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد



تصویر ۱۰: تنش در راستای محور X (محور بست جلجله ای)

نقوش صخره ای نقش رجب (صخره پادشاهان)

حسین فیضی: کارشناس ارشد باستان شناسی (گرایش تاریخی)
سعیرا صهبای پاسبان: کارشناس ارشد باستان شناسی (گرایش تاریخی)
حامد حسینی: کارشناس ارشد زبان انگلیسی
ماه صنم حسینی: کارشناس علوم اجتماعی
تصاویر: آرشیو روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

نقش ۱: دیهیم ستانی اردشیر بابکان (۲۴۱-۲۲۴ م)



این نقش در جبهه ی شرقی صخره حجاری شده است. طول نقش ۴/۹۰ متر و پهنای آن ۳/۰۶ متر می باشد و عمق آن در حدود دوازده سانتی متر است. (هرمان، ۱۹۶۹:۶۷)
این نقش دومین نقش مذهبی ساسانیان بعد از دیهیم ستانی تنگاب فیروزآباد محسوب می شود. از نظر موضوع و جزئیات شباهت تام به نقش تنگاب فیروزآباد دارد و در آن اردشیر بابکان در حال دیهیم ستانی از خدای یکتا (اهورامزدا) نشان داده شده است.



اردشیر بابکان در این نقش از تاج مخصوص خود که در تنگاب فیروزآباد هم بر سر او بوده استفاده کرده و ما با این تاج بر روی سکه های نسل اول او مواجه هستیم.

در کل دوران پادشاهی اردشیر بابکان وی از ۱۳ نوع تاج مختلف بر روی سکه ها استفاده کرده است و نکته حایز اهمیت اینجاست که اردشیر در تمام نقوش مذهبی که موضوع همه آن ها گرفتن دیهیم می باشد از نوع تاج گوی مانند استفاده کرده است.



اردشیر بابکان در این تصویر در سمت چپ بیننده حجاری شده که دست راست خود را به منظور گرفتن حلقه سلطنتی (دیهیم) که از جانب اهورامزدا به وی تقویض می شود، دراز کرده و دست چپ را در مقابل صورت نگه داشته و انگشت سیبانه را به علامت احترام بالا گرفته است. در دوره ساسانی بالا گرفتن انگشت سیبانه در مقابل صورت یکی از علائم احترام به شخص بالاتر از خود بوده است. در نقوش صخره ای ساسانی این امر بیانگر تمادی از ستایش اهورامزدا است. اردشیر نیم تنه آستین بلندی بر تن، شلوار گشادی بر پا و شلی بر دوش دارد که دو سر آن در جلوی سینه به هم گره خورده است. او گردنبندی به گردن و کمربندی از جنس جرم برکمر دارد که بر روی آن شمیری به طور حمایل با نسبه های جرمی آویخته شده است.



در مقابل اردشیر طرف راست ببینده، اهورامزدا برسمی را در دست چپ گرفته و حلقه سلطنتی را با دست راست به علامت شاهی به شاهنشاه اعطا می کند. اهورامزدا تاج کنگره داری بر سر و لبا ساده ای بر تن دارد که تا زانوها رومی پوشاند دارای ریش و موهای بلندی است که پشت گردن او را می پوشاند. روبان آویخته شده به حلقه سلطنتی و همچنین روبان های آویخته شده به تاج شاه و هرمزد، از هر حیث همچون شکل ظاهری، چین افقی انواع بافت و حتی جنس پارچه دقیقا به یکدیگر شبیه بوده و با جرات می توان گفت که بین آنها تفاوتی نیست. (موسوی حاجی، ۱۳۹۶:)

اهورامزدا شلوار گشادی بر پا و لباس بر تن دارد که تا زانوها را می پوشاند. دارای ریش بلند چهارگوش و گیسوان بلندی است که به صورت مجعد و در سه طبقه به پشت گردن جای گرفته است.



در فاصله میان شاه و اهورامز دادو کودک تصویر شده اند. هر تسفلد تصویر سمت چپ را با توجه به پوشاکش که کاملا ساسانی است. هرمزد اول پسر شاهپور و نوه ی اردشیر معرفی می کند (هرتسفلد، ۱۹۴۱: ۳۱۱).

پشت سر اردشیر بابکان، ما با نگاره شخصی مواجه هستیم بسیار مرموز که در تمام نقش برجسته های اردشیر بابکان پشت سر وی دیده می شود، این شخص فاقد ریش و سیبیل می باشد و بر روی کلاه او علامتی شبیه به قیچی یا لاله وجود دارد. در دست اش وسیله ای شبیه مگس پران دیده می شود. لوکونین این شخص را نماینده خاندان قازن (کسارن) معرفی می کند. دکتر موسوی حاجی در کتاب ارزشمند نقوش برجسته ساسانی این شخص را به عنوان خادم و محافظ شاه می نامد. (موسوی حاجی ۱۳۹۶، ۲۴)

در کنار شخص مگس پران ما با نقش ولیعهد شاهپور اول (کوشان شاه) مواجه هستیم، شاهپور در این تصویر دست چپ خود را در جلوی شکم بر روی قبضه شمشیری که به صورت عمود در میان پاهای وی قرار دارد، و دست راست خود را روبروی صورت گرفته و به علامت احترام انگشت سیبیه را بر بالا نگه داشته است. پنجه های دست چپ او زیر آستین بود و به نظر می آید این حالت مثل گرفتن دست روبروی صورت، نشانه احترام می باشد. وی شلوار گشادی بر پا و لباس بلندی بر تن دارد که تا بالای زانو ها را می پوشانده دارای ریش بلند و موهای پرپشتی هست که در پشت سر ریخته شده، به گونه ای که علاوه بر پشت گردن، قسمتی از شانه ها را نیز می پوشاند. کلاه استوانه ای شکل بر سر دارد که به گفته لوکونین نشانه ولیعهدی است. (لوکونین، ۱۳۸۴، ۳۰۷)



در پشت سر اهورامزدا در کادری جداگانه که به وضوح مشخص است بعد از نقش اصلی دیهیم ستائی اردشیر حجاری شده ما نقش دو شخص را داریم. فراول شخصی می باشد یا صورتی بی مو و اصلاح کرده که کلاهی شبیه به همان شخص پشت سر اردشیر بابکان دارد و به خواجگان دربار شباهت دارد. نفر دوم، بانوی والا مقام است که به صورت تمام قد و به حالت تقریباً نیم رخ نقش گردیده است.

بانو کلاهی بر سر دارد که دنباله آن گردن و گوش سمت راست او را پوشانیده است. موهای بلند او که قسمتی از آن از زیر کلاه بیرون آمده و همچنین صورت صاف و اندام ظریفش به طور حتم مسلم می دارد که وی باید زن باشد. نقش شدن این شخص اون هم در مکان مقدسی چون نقش رجب در کنار یکی از اصلی ترین نقش برجسته های اردشیر بابکان همچنین آویخته بودن رویان به پشت کلاه نامبرده همانند رویان بسته شده اردشیر بابکان، ما را مجاب می کنند که این تصویر را بانوی بلند مرتبه از لحاظ طبقه اجتماعی یکی از بانوان سلطنتی از خاندان شاهنشاهی ساسانی معرفی کنیم. بر حسب این که نقش در زمان پادشاهی اردشیر بابکان حجاری شده احتمالاً این بانو «دیتک» همسر اردشیر بابکان و بانوی بانوان ساسانی در دوران اردشیر باشد.



نقش ۲: دیهیم ستانی سواره پادشاه ساسانی



در سمت چپ نقش برجسته دیهیم ستانی اردشیر بابکان در جبهه ی غربی صخره سنگی در یک سطح صاف و مستطیلی نقش دیهیم ستانی پادشاه ساسانی از نماد اهورامزدا حجاری شده است. طول این نقش ۴/۶۸ متر و پهنای آن ۲/۷۰ متر می باشد (هرمان، ۱۹۶۹، ۷۵).

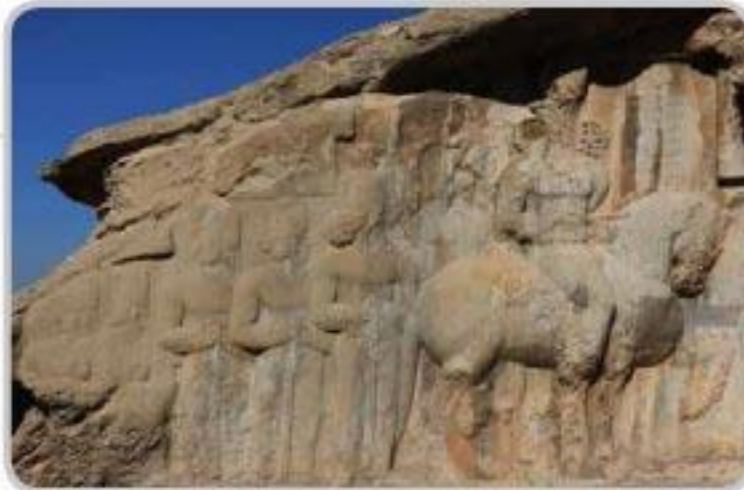
پادشاه ساسانی و اهورامزدا در این نقش به صورت سوار بر اسب و در مقابل یکدیگر حجاری شده اند.

شاهنشاه ساسانی و اهورامزدا هر دو سوار بر اسب و در مقابل یکدیگر تصویر شده اند. اهورامزدا (سمت چپ بیننده) نیم تنه تنگی به تن و شلوار چین داری برپا دارد که به انتهای آن در قسمت قوزک پا، دو رشته نوار پهن آویزان شده است. در پهلوی راست شلوار و در قسمت بالای ران، دکمه ای دیده می شود که به نظر می رسد عملکرد آن ایجاد چین های اثبوه در شلوار باشد. چه قسمتی از پارچه ی آن در زیر دکمه جمع شده و در نتیجه آن، پهلوی راست شلوار با چین های زیاد نشان داده شده است. اهورامزدا تاج کنگره داری بر سر دارد که از بالای آن گیسوان مجعدش نمایان است. به دور پیشانی اش رویانی بسته شده است که دنباله ی آن در پشت سر به صورت دو نوار پهن یا چین های بسیار فشرده و موازی به نمایش در آمده است. اسب اهورامزدا از طرف راست بدن به صورت کاملاً طبیعی و درحالتی نقش شده است که دست چپ خود را کمی از زمین بلند کرده است. بر پهلوی راست اسب کمپله ای (Balton) بوسیله یک زنجیر به زین آویزان است که نظیر آن در اغلب نقش برجسته های این دوره دیده می شود. پال اسب به طرز جالبی کوتاه شده و تنها به رشته ی بلند آن از طرف راست گردن نشان داده شده که به نوک هریک از آنها زنگوله ای آویزان است. علاوه بر کمپله ای که یاد شد، سه تسمه چرمی نیز به پهلوی راست اسب به زین آویزان است که نوک آنها با سه حلقه کوچک زینت یافته است. در مقابل اهورامزدا و در سمت راست بیننده، وی تفویض می شود، دراز کرده و با دست چپ قبضه ی شمشیری را که بر پهلوی چپ او آویزان است، نگه داشته است. متأسفانه صورت پادشاه ضایع شده و جزئیات آن از بین رفته است؛ لیکن اجزای دیگر آن دقیقاً همانند تصویر اهورامزداست. جز آن که شاه با دست چپ قبضه شمشیر را گرفته و اهورامزدا با دست چپ افسار اسب را به دست دارد. به نظر می رسد که نقش مذکور به تقلید از مجلس تاجگذاری اردشیر بابکان در نقش رستم ساخته شده باشد. اکثر قریب به اتفاق پژوهشگران فرد سمت راست را که دارای سر و ناچی بسیار آسیب دیده است (بطوری که تاج او به خوبی نمایان نیست) شاهپور یکم معرفی کرده اند.



نقش ۳: شاهپور اول در کنار درباریان

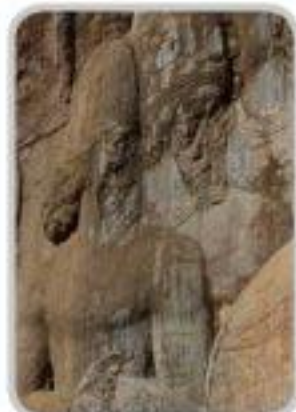
سمت راست نقش دیهیم سستانی اردشیر بابکان نقش شاهپور اول (کوشان شاه) به همراه ۹ نفر از اعضای خاندان سلطنتی و درباریان حک گردیده است. این نقش زیبا در جبهه شمالی محوطه واقع شده و در ارتفاع یک و نیم متری از سطح زمین حجاری شده است. طول این نقش ۶/۹۵ متر و پهنای آن ۴/۲۱ متر می باشد و نقوش آن با داشتن بیش از شصت سانتیمتر عمق، یکی از شاهکارهای هنر حجاری دوره ساسانی محسوب می شود. (هرمان، ۱۹۶۹: ۷۰)



شاهپور در این نقش سواره بر اسبی تنومند حجاری شده است. در حجاری اندام شاهپور اول در این نقش کمی اغراق صورت گرفته و ما مشاهده می کنیم که پاهای شاهپور اول تا نزدیکی زمین حکاکی شده است. شاهپور شاج کنگره داری بر سر دارد که بر قراز آن گوی بزرگی قرار گرفته و به دور آن در قسمت پیشانی رویانی بسته شده است که دنباله ی آن در پشت سر به شکل دو نوار پهن یا چین های فشرده به اهتزاز در آمده است. گردن پندی بر گردن و نیم تنه ی آستین بلند ی بر تن دارد که چین های آن تا بالای زانو می رسد. شلوار گشاد و چین داری بر پا و شنل مواج ی بر دوش دارد که دو سر آن در جلوی سینه به وسیله ی دو دکمه کوچک به نیم تنه الحاق شده و از هر دکمه ی آن زنجیر ظریفی آویزان است (سامی، ۱۳۸۰: ۱۲۶). اسب تنومند پادشاه با زین و برگ و لجام تزئین شده است. نکته حائز اهمیت حالت حرکت اسب است که بیانگر رفتن پادشاه و درباریان به مراسم دریاری می باشد. بر سینه ی اسب شاهپور اول، کتیبه ای به خط پهلوی ساسانی در چهار سطر که هر سطر آن نیم متر طول دارد دیده می شود. در زیر آن کتیبه ای دیگر در شش سطر به خط یونانی و به همان مضمون نوشته شده که مفاد آن چنین است: «مزدایرست، خداوندگار شاهپور، شاهنشاه ایران و غیر ایران، فرستاده از طرف خدا و پسر مزدایرست خداوندگار اردشیر، شاهنشاه ایران، فرستاده از جانب خدا، پسر خداوندگار بابک شاه».



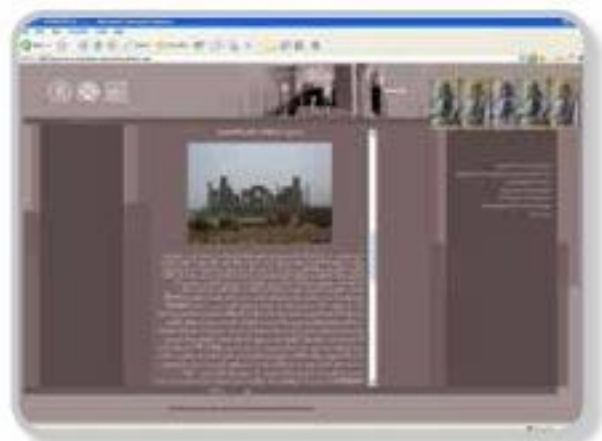
در ادامه ۹ نفر از اشخاص درجه یک از لحاظ رتبه اجتماعی و به احتمال قوی از خاندان سلطنتی حک شده اند. سه نفر از این ۹ نفر از همراهان به صورت تمام قد و در حالتی حجاری شده اند که دست های خود را به علامت احترام در جلوی شکم بر روی قبضه ی شمشیر گذاشته اند و بقیه افراد به صورتی که فقط نیم تنه ی فوقانی آنها دیده می شود، تصویر شده اند. بدن همه افراد به شکل تمام رخ و از روبرو نشان داده شد ولی سرها به صورت نیم رخ تصویر شده است و در این حالت، همه افراد به شاه نظاره می کنند. همه این افراد، گردنبنندی از مروارید بر گردن دارند. سه نفر از نه نفر حکاکی شده بر روی کلاه های خود علامت های مخصوص سلطنتی که بیانگر جایگاه ویژه آن ها در دربار ساسانیان است (شکل ۴). نفر اول از جمع سه نفره بر روی کلاه خود علامتی دارد که شاهپور اول خود در نقش برجسته تنگاب فیروزآباد به کلاه و غایبه اسپش دارد. این علامت خاص که ما آن را علامت ولیعهدی می دانیم یادگاری از دوره اشکانیان می باشد و ما با این علامت مزبور بر روی کلاه چندین تن از پادشاهان اشکانی من جمله کلاه اردوان پنجم مواجه هستیم. با این توضیحات این نقش بی شک متعلق به هرمزد اردشیر ولیعهدشاهپور اول می باشد. والترهینتس بقیه ی افرادی را که پشت سر شاهپور اول نقش شده اند، به ترتیب: شاهپور میشان شاه، بهرام گیلانشاه، اردشیر کرمانشاه (برادر شاهپور اول) و پیروز برادر شاهپور اول معرفی می نماید. به نظر او، بازنشاسی دیگر شخصیت های حاضر در صحنه ممکن نیست. با در نظر گرفتن اون علامت های خاص به کلاه، دوتن دیگر از جمع سه نفره ما آنها را نمایندگان خاندان های ممتاز دوره ساسانی و یکی از آن ها را نماینده خاندان قارن معرفی می کنیم. لوکونین این نه نفر را اینگونه معرفی می کند: «نخستین تصویر ایستاده از هرمزد اردشیر فرزند شاهنشاه است که با نشانه های جانشینی شاه دیده میشود. پشت سر او، شاهپور شاه مشیان فرزند دیگر شهریار ساسانی ایستاده است. تصویر سوم از نرسی، فرزند دیگر شاهپور و شاه تورستان، سکستان و هند است. در پس او، بهرام یکم یکی دیگر از فرزندان شاهپور که گیلانشاه بود و نیز همسر ارشد شاهنشاه آذرآناهید ایستاده اند. در ردیف دوم، بیدخش و هزارید، بزرگترین درباریان شاهنشاه ایستاده اند. پشت سر آنها نمایندگان دودمان های مشهور کشور سورنهای و قارنهای دیده می شوند (لوکونین، ۱۳۸۰: ۳۱۳). در مورد حضور آذرآناهید در میان نقش شده ها جای تعجب وجود ندارد و ما در دوره اردشیر بابکان هم، با حکاکی نقش دینک در کنار نقش دیهیم سناتی مواجه هستیم. پس جای تردید نیست که نقش حک شده کنار درباریان بانوی بلند مرتبه و به احتمال قوی خود شخص آذر آناهید می باشد.



وبگاه تخت جمشید

گلناز زارع: کارشناس بخش انفورماتیک پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

امروزه تخت جمشید یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی ایران قلمداد می‌شود. ثبت جهانی سه اثر مهم تخت جمشید، نقش جهان اصفهان و چغازنبیل در بحبوحه انقلاب در فهرست آثار جهانی یونسکو اهمیت این آثار را دوچندان می‌کند. امروزه کمتر کسی است که اهمیت تخت جمشید را نداند و یا حداقل یک بار به این مجموعه عظیم فرهنگی سفر نکرده باشد. لذا با تأسیس بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد در سال ۱۳۸۰ و راهبری مدیریت تخت جمشید با روش علمی منسجم و استفاده از گروه‌های علمی و پژوهشی و معرفی آثار مجموعه هخامنشی و اقدامات انجام گرفته، بایستی راهکاری برای معرفی هرچه بهتر و علمی‌تر فعالیت‌ها جستجو کرد. لذا برای این مهم وجود یک سایت اینترنتی اجتناب ناپذیر می‌نمود لذا در سال ۱۳۸۲ اولین سایت بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد راه اندازی شد. این سایت که به زبان فارسی راه اندازی گردید معرفی اولیه سایت تاریخی تخت جمشید انجام شد. این سایت اگرچه ایراداتی از جمله زمانبر بودن باز شدن آن به خاطر گرافیک سنگین آن وارد بوده، اما برای شروع یک فعالیت گسترده اقدام مهم محسوب می‌شد. لذا برای رفع ایرادات این سایت، سایت دوم طراحی شده در سایت دوم که تقریباً ایرادات سایت رفع گردیده بود بر حجم اطلاعات قبلی اضافه شد و سهل الوصول تر بود. لذا در سال‌های بعد برای معرفی بهتر تخت جمشید و فعالیت‌های علمی پایگاه و البته به‌روز کردن آن در تخت جمشید توسط کارشناس انفورماتیک، سایت سوم با گرافیک بهتر و فرمت سبک تر طراحی گردید.


www.persepolis.ir

www.parse-pasargad.ir


در این سایت مجموعه تخت جمشید با استفاده از نوشته های مرحوم پروفسور شاپور شهبازی کلیه کاخ های تخت جمشید از جمله دروازه ملل، آپادانا، خزانه، تچر، هدیش و ... به طور کامل و با مراجع کتاب راهنمای مسند تخت جمشید معرفی گردید و همینطور عکس های جذاب و حرفه ای در سایت گذاشته شد و فعالیت های علمی و اخبار مهم پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در سایت جایگذاری شد. معرفی امکانات و پتانسیل های گردشگری، نقشه هوایی سایت از جمله امتیازات این سایت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید است. معرفی هیئت امناء، شورای راهبردی و شورای فنی پایگاه و کلیه کارشناسان نیز بر غنای این سایت افزوده است. از دیگر مزایای این سایت که اکنون دیگر به عنوان ویرترین پایگاه میراث جهانی تخت جمشید قلمداد می شود، دو زبانه بودن آن است به طوری که کلیه مطالب و اخبار روزانه با همکاری واحد ترجمه پایگاه میراث جهانی تخت جمشید به زبان انگلیسی ترجمه شده و در سایت بارگزاری می شود و این موضوع باعث گردیده که بسیاری از بازدیدکنندگان خارجی از آخرین اخبار و اطلاعات سایت زبان انگلیسی مطلع شوند تنوع رنگ ها در سایت و استفاده از گرافیک حرفه ای آن و همینطور به روز رسانی آن باعث گردیده که این سایت روزانه بازدیدکنندگان زیادی را به خود جذب نماید. بطوری که تاکنون بیش از ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ بازدیدکننده داشته است. بدیهی است غنای این سایت، جز با همکاری و همدلی و نظارت مدیریت محترم پایگاه همکاری بی دریغ مسئول محترم روابط عمومی و کلیه کارشناسان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید امکانپذیر نبوده است. آدرس این سایت امروزه در بسیاری از پلت فرم های آموزشی چاپ می شود و به بسیاری از سایت ها لینک شده است. بدیهی است این سایت اگرچه از بهرترین سایت های آثار تاریخی ایران محسوب می شود اما همچنان ایراداتی دارد که پایگاه میراث جهانی تخت جمشید پذیرای پیشنهادات و انتقادات همه پژوهشگران و مردم فرهنگی در ایران است. امید است با اتکال به خوامدن متعال و همراهی و همدلی هم کسانی که قلبشان برای آثار تاریخی و فرهنگی ایران زمین می تپد گامی هرچند کوچک در جهت اعتلای فرهنگ این سرزمین برداشته شود. به امید آن روز.



یافته های شاخص در ساماندهی انبار سفال و سنگ تخت جمشید

ساره جوکار: کارشناس ارشد باستان شناسی



ظروف سفالی هخامنشی

یکی از مهمترین محوطه های باستانی که در حوضه مرو دشت مورد کاوش قرار گرفت گرفت تل پاکون و همچنین خود محوطه تخت جمشید بود که امروزه مقادیر زیادی از سفال های بدست آمده از این دو محوطه در انبار تخت جمشید نگهداری می شود. در راستای انجام پروژه ی پژوهشی-کاربردی ساماندهی و انبار سفال و سنگ تخت جمشید نیز سفال های پیش از تاریخ شامل (رحمت آباد، موشکی، جری، شمس آباد) و همچنین سفال های دوران لیبوی، پانث، کفتری، قلعه، شغا، تیموران نیز طبقه بندی شده است. از جمله اشیاء مهم موزه ای ظروف سنگی و سفالی شاخص یافت شده از دوران هخامنشی در زمان کاوش اشمیت است. همچنین تا کنون تکه های ظروفی از جنس سنگ لاجورد نیز مورد شناسایی قرار دیگر اشیاء شاخص موجود در این انبار شامل، سر پیکان و اشیاء دیگر فلزی، آجرهای لعابدار که تا کنون از این نمونه آجرها مشاهده نشده است و ... قابل مشاهده است. هر چند تا پیش از این، مواد گردآوری شده از بررسی ها و کاوش های انجام شده تا کنون به گونه ای روشمند، ساماندهی نگردیده بود اما پروژه ای که هم اکنون از سوی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و کارشناسان باستان شناسی در حال انجام و اجراست، یکپارچه کردن اطلاعات حاصل از بررسی ها و کاوش های گوناگون، شالوده ای وسیع و بستری غنی را برای پژوهش های علمی گسترده فراهم خواهد کرد.

این در حالی است که ساماندهی انبار سفال و سنگ تخت جمشید زمینه ای علمی و مستند را برای پژوهش های باستان شناسی آینده در دشت مرو دشت و منطقه ی فارس فراهم خواهد ساخت.



ظروف سنگی هخامنشی



ظروف سفالی هخامنشی





آجرهای لعاب دار هخامنشی



سفال چشمه علی ری (اشعیت)



سر پیکان و اشیاء فلزی



طبقه بندی سفال



سنگ لاجورد

هخامنشیان و علم حساب

سارا زارع، کارشناس مالی و حسابرسی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

استفاده از مفاهیم «علم حساب» که امروزه به شیوه تکامل یافته‌ای در علم حسابداری تبلور یافته، با تمدن بشر هم‌زاد است. برخلاف تصور فعلی که ظهور «علم حسابداری» را مربوط به دوران صنعتی شدن می‌داند، اما باید گفت از دوران باستان شاهد استفاده از «روشهای کنترل مالی» بوده‌ایم.

از میان داده‌های به دست آمده، اطلاعات مربوط به شیوه‌های حسابرسی در عصر هخامنشیان درخور توجه است. بشر ابتدا شمارش را با انگشتان دست و با انجام می‌داد، لیکن بعدها واحدهای اندازه‌گیری مانند «وجیب» و «قدم» به وجود آمد. در واقع سیستم «دهدهی» امروز که برای بیان کمیت‌ها به کار می‌رود، از به کار بردن انگشتان دست برای شمارش ناشی شده است. برخی از پژوهشگران دانش واژه‌شناسی بر این باورند که ریشه واژه دیجیت (Digit) که امروزه به معنای «رقم» و «انگشتان دست» به کار می‌رود، ایرانی است. بر پایه نظر برخی از محققان واژه دیجیت از دیشتی (Dishit) اوستایی و به همان معنا گرفته شده و واژه «دست» در فارسی امروزی نیز برگرفته از آن است هر عدد کمتر از ۱۰ را دیجیت (digi) می‌گویند.

لوح‌های دیوانی تخت جمشید

در لوح‌های فیرلوان گلی که از قسمت خزانه تخت جمشید به دست آمده است (و با کمال تأسف همه آنها از ایران خارج و به‌ویژه به آمریکا برده شده)، روشن می‌گردد که در زمان حکومت هخامنشیان سازمان اداری گسترده و منظمی وجود داشته که به همه زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور رسیدگی می‌کرده است.



نحوه پرداخت دستمزدها

به نظر می‌رسد که خوراک عمده مردم ایران در زمان داریوش، نان جو بوده است. به همین دلیل مزد کارکنان غالباً به صورت جنسی پرداخت می‌شد که به طور عمده ترکیبی از جو همراه با میوه و گوشت بوده است. مبنای محاسبه میزان جو واحدی به نام بن بود. هر بن ده دقه و هر دقه معادل ۹۷۷٪ لیتر امروزی (تقریباً معادل یک کیلوگرم جو) حجم داشت. به این ترتیب هر بن معادل یک لیتر می‌شد.

از آنجا که پرداخت حقوق به شکل کالا دشوار بود، از اواخر سلطنت داریوش کبیر پرداخت نقره به عنوان بخشی با تمام حقوق متداول شد.

تهیه صورت مالی

ثبت هزینه‌ها در هر ایستگاه پستی به وسیله یک نفر «حسابدار» که با در اختیار داشتن گِل تازه، آماده ثبت «هزینه‌ها و رویدادهای مالی» بوده، انجام می‌شده است. مأموری که مهرش را پس از دریافت جیره بر لوح می‌زد، باید دو لوح دیگر را نیز مهر می‌کرده است؛ زیرا از هر سند دو رونوشت دیگر تهیه می‌شده که یک نسخه برای «واحد حسابداری و نظارت» محلی که جیره تحویل می‌شده، ارسال می‌گشته و نسخه دیگر به‌طور مستقیم به مرکز تخت جمشید برای «ثبت و کنترل» فرستاده می‌شده است.

نحوه نگهداری این اسناد بسیار درخور توجه است. این اسناد را بر اساس مکان، سال و موضوع طبقه‌بندی کرده و در سبدهای مخصوصی قرار داده و سپس آنها را در قفسه‌هایی می‌گذاشتند و برچسب مخصوصی بر آن می‌زدند و هر دو ماه یک بار گزارشی از عملکرد حوزه‌ها تهیه می‌کردند تا کنترل، نظارت و تهیه صورت‌های مالی سالانه مرکزی آسان شود. در گزارش سالانه، همه دریافتها و پرداخت‌های یک سال در یک گزارش جمع‌بندی، و در نهایت صورت وضعیت مالی تهیه می‌شد. این صورت وضعیت، نسبت به الواح دیگر در اندازه‌ای بزرگتری تهیه می‌شده است.

دو متن حسابداری در ناحیه هَدَرَن در نزدیکی تخت جمشید

متن حسابداری سالانه PF 1942 مربوط به حسابداری غله‌های دریافتی در ناحیه جغرافیایی تخت جمشید است. در این متن آمار غلاتی که در سال ۱۹ سلطنت داریوش اول (۵۰۲ ق.م) در پاسارگاد و هَدَرَن (Hadaran) تحویل داده شده را ثبت کرده‌اند. هَدَرَن مکانی در نزدیکی تخت جمشید بود که ظاهراً در آن یک انبار سلطنتی و مرکزی برای نگهداری رمه‌ها و اصطیل نگهداری اسب‌ها احتمالاً متعلق به دربار و شاه قرار داشت. بیشتر کالاهایی که در هَدَرَن در ماه‌های مختلف سال ۱۹ تحویل کارمندان آن ناحیه شده است برای جیره خوراکی روزانه اسب‌ها و رمه‌ها در این مکان مصرف می‌شد. بر اساس این متن هر اسب به صورت میانگین روزانه ۳ کیلو و اسب‌های جوان روزانه ۲ کیلو غله دریافت می‌کردند البته در مواردی ذکر شده که به اسب‌های سلطنتی حدود ۱۰ کیلو غله برای خوراک روزانه داده شده است. در مجموع در سال ۱۹ در ناحیه هَدَرَن حدود ۲۸۲۶ کیلو غله در سال ۱۹ دریافت شده است. این غله‌ها در ماه‌های مختلف توسط کارمندان این مکان (Mesakka) آماده و توسط مَسَدَیْشَنَه (Masdayašna) برای جیره‌های اسب‌ها و رمه‌ها تقسیم می‌شده است.

متن حسابداری سالانه PF 1943 نیز مربوط به مکان هَدَرَن در سال ۱۹ سلطنت داریوش است اما این متن سند حسابداری علاوه بر جیره حیوانات اطلاعات مربوط به پرداخت حقوق کارگران و کارکنان مختلفی است که در این مکان کار می‌کنند مانند چوپانان نیز ثبت شده است.

در این متن نیز اشاره شده که در مجموع ۲۶۱۵ کیلو غله دریافت شده که این غله‌ها توسط کَشُونَدَه (Kašunda) تهیه و مسگه وظیفه دریافت آن‌ها را بر عهده داشته و سپس برای تقسیم این غلات به ایرشَنَه (Iršena) داده می‌شود.

Hallock, R.T., (1969), The Persepolis Fortification Tablets, Chicago, OIP 52

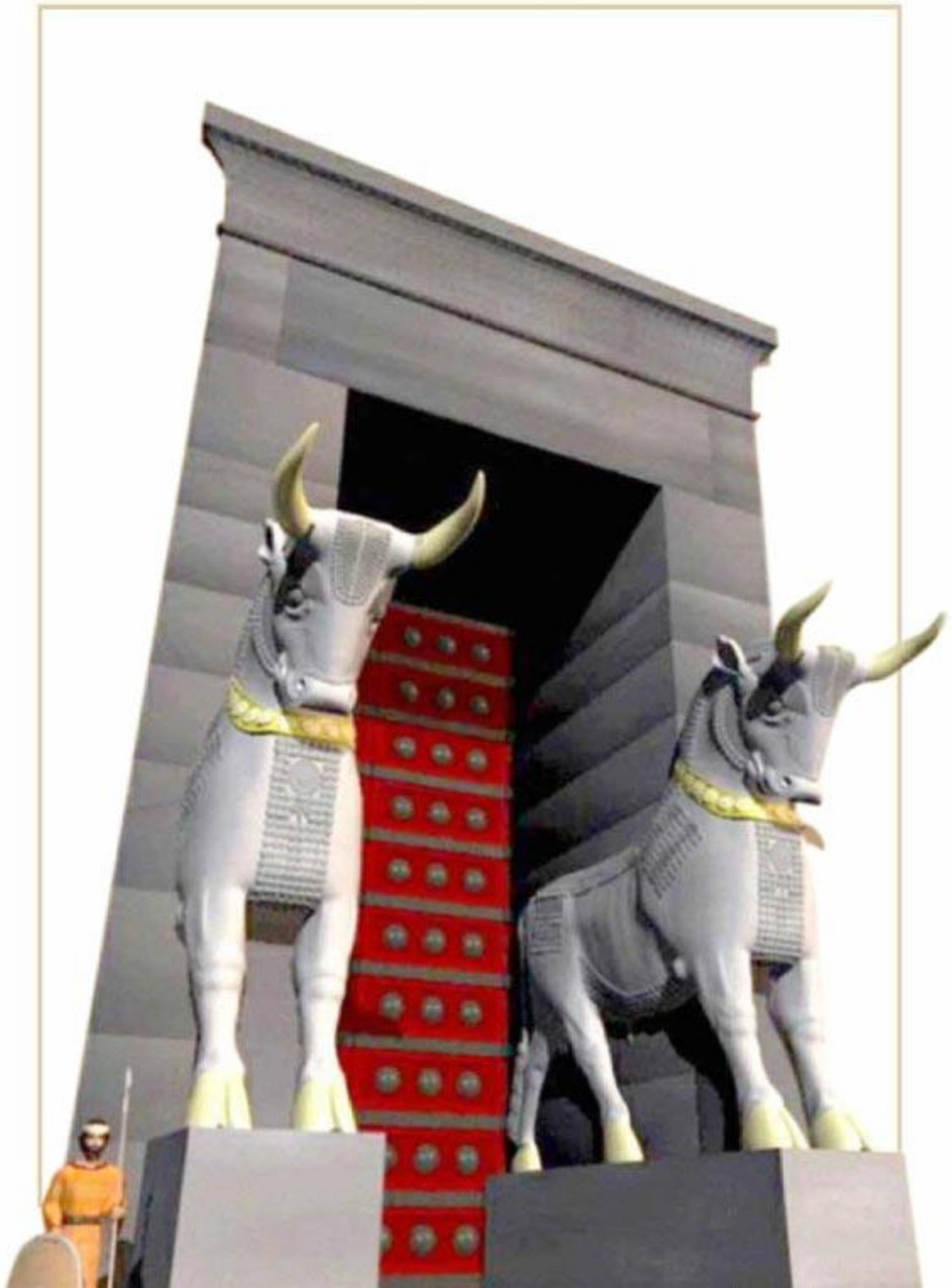


پروژه سه بعدی سازی تخت جمشید

روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

صنعت گردشگری که از صنایع بسیار پربازده محسوب میگردد به دلیل ارتباط و تماس مستقیم با انسان و طبیعت، همواره باید مورد مطالعه و بررسی قرارگیرد تا پویایی خود را از دست ندهد. علاوه بر اینکه داشتن تکنولوژی در هر زمینه ای یکی از نشانه های توسعه یافتگی هر کشور است و این امر در جذب گردشگر نیز بسیار موثر خواهد بود. تکنولوژی واقعیت ترکیبی یکی از جدیدترین و به روزترین تکنولوژی های کاربردی می باشد که امروزه به شدت مورد توجه شرکت های بزرگ دنیا قرار گرفته است. تلفیق صنعت گردشگری با واقعیت ترکیبی، حوزه ی جدیدی را ایجاد می کند که باعث گسترش و پیشرفت صنعت گردشگری در ایران و جهان خواهد شد. امکاناتی که این تکنولوژی می تواند به صنعت گردشگری اضافه کند بسیار گسترده است. منطقه باستانی تخت جمشید سالانه پذیرای بیش از یک میلیون نفر گردشگر ایرانی و خارجی است. رونمایی از نرم افزار واقعیت ترکیبی در تخت جمشید که همزمان با بازدید معالون میراث فرهنگی کشور و ارزیاب یونسکو از تخت جمشید صورت گرفت؛ سعی دارد در تمام ایام سال و به طور ویژه در ایام نوروز ۹۷ با ارائه خدمات گسترده تر پذیرای گردشگران باشد. پروژه مانا (سه بعدی سازی تخت جمشید) این امکان را برای گردشگران فراهم می سازد تا در هنگام گشت و گذار در این مجموعه باشکوه یا گرفتن موبایل، تبلت و یا هدست واقعیت مجازی خود در حین بازدید از بخش های مختلف تخت جمشید، آن مکان را به صورت سه بعدی بازسازی شده مشاهده نمایند و همزمان نیز با کمک فایل های مولتی مدیا (ویدئو، اسلاید عکس، صوت و متن) اطلاعات کامل تری از آن محدوده دریافت کنند. این تکنولوژی کمک شایانی به بالا بردن آگاهی و ایجاد تجربه ای بی نظیر در خاطره گردشگران خواهد کرد. نرم افزار واقعیت ترکیبی (Mixed Reality) که به اختصار MR نامیده می شود فناوری است که به کاربر این امکان را می دهد که آثار تاریخی تخت جمشید را به صورت طرح بازسازی شده سه بعدی از طریق عینک های مخصوص ببیند و به این ترتیب جذابیت بصری محیط با استفاده از افکت ها و انیمیشن های سه بعدی ارتقاء می یابد. این نرم افزار که مکمل راهنمای گردشگری به حساب می آید برای نخستین بار در تخت جمشید اجرا می گردد و در روز بازدید معالون میراث فرهنگی کشور و ارزیاب یونسکو از مجموعه آثار تاریخی تخت جمشید از آن رونمایی شد. به کارگیری تکنولوژی که یکی از نشانه های توسعه یافتگی در ارائه خدمات به گردشگران در محوطه های تاریخی است که می تواند در مدیریت بازدید مؤثر واقع شود. این فناوری که حاصل طراحی جوانان ایرانی است در حال حاضر به عنوان پایلوت در تخت جمشید در حال ارائه به گردشگران است. وجود این مکمل راهنمای گردشگری در مجموعه آثاری همچون تخت جمشید می تواند ضمن ارائه تصویر مطلوب تری از آثار به گردشگر، از یک سو ابزاری در جهت حفظ و کاهش آسیب های احتمالی و انسانی به آثار کارآمد باشد و از سوی دیگر عدم دسترسی گردشگر را به مکان های آسیب پذیر جبران نماید.







هویت ملی و ضرورت زنده نگه داشتن سنت ها راهی به سوی جهانی شدن

اعظم (لدوز) روستایی: کارشناس امور فرهنگی و روابط عمومی / مدیر اجرایی نمایشگاه های صنایع دستی و گردشگری

در جامعه کنونی که جهان به مثابه دهکده ای تصور می گردد و دسترسی ها بسیار آسان شده است، بی گمان فرصت بسیار ارزشمندی است تا آنچه را که تا به دیروز با کندی پیش می بردیم، بتوانیم سرعت بیشتری ببخشیم و خودمان را آن طور که شایسته یک ایرانی، با تمدن چندین هزار ساله است به جهانیان بشناسانیم. روی سخنم فرهنگ، آیین و دستاوردهایی است که نسل به نسل و سینه به سینه سپرده شده و امروز به دست ما رسیده است. اگر زمانی ضرورت رونق بخشیدن به جشنواره ها و نمایشگاه های محلی و بومی تنها از سر تلفن و معرفی بود، اما امروزه کارکردی اساسی تر و کاربردی تر را دنبال می کند. در زمانه ای روزگار می گذرانیم که گردشگری یکی از ارکان اصلی اقتصاد جهان به شمار می رود، نباید از قافله صنعت گردشگری عقب ماند و از این معرکه بازار، سهم ستانی نکرد!

دشت تاریخی مرو دشت

شهرستان تاریخی مرو دشت به واسطه داشتن چندین اثر مهم تاریخی جهانی و ملی، فرهنگ و آیین بومی و محلی منحصر به فرد، به جرات می توان گفت هنوز نتوانسته است سهمی هر چند ناچیز و محسوس را در حوزه ی گردشگری از آن خود کند. این در حالی است که با وجود آمار بالای گردشگر و بازدید کننده از آثار تاریخی دشت مرو دشت، چالش عدم هماهنگی و پایاپای نبودن آمار گردشگر و ایجاد درآمد برای شهرستان را می توان در نبود بسترهای مناسب برای پذیرش گردشگر جستجو کرد. امری که کاملا بدیهی است. هر چند دلایل دیگری نیز در این چالش نقش دارند اما آنچه به نظر می رسد و با افسوس همراه است، فرصت ها و پتانسیل هایی است که یا از دست می روند و یا به ورطه ی فراموشی سپرده می شوند و به یقین این همه از رهگذر "عدم زیر ساخت های گردشگری" می گذرند.

سنت هایی که نباید کم رنگ شوند

کم رنگ شدن فرهنگ ها و آیین های گذشته چالشی است که کمابیش با آن روبرو هستیم و نمیتوان بی تفاوت از کنار آن گذشت. روی سخنم دشت تاریخی مرو دشت است که تخت جمشید، نقش رستم، نقش رجب، شهر استخر و صدها اثر تاریخی و طبیعی را در دل خود دارد و به آن می بالد. آنچه که نام دشت تاریخی و پهناور مرو دشت را جاودانه ساخته است، همین پتانسیل های تاریخی، طبیعی و آیین و فرهنگ بومی و منحصر بفرد آن است. دشتی کهن که نیاکان ما در آن سکونت داشتند و برخوردش منظری و توانمندی آن در هر حوزه ای واقف بودند. اینجاست که پاسداری از آن امری ضروری است و یک هم تجمعی از قشرهای مختلف مردم را در پاسداری و ز حفاظت از آن طلب می کند.





برگزاری جشنواره‌های محلی و فرهنگی راهی برای توسعه فرهنگ بومی

برگزاری جشنواره‌های محلی و فرهنگی در ایام مختلف راهی برای توسعه فرهنگ بومی است. این واقعیت را نباید از ذهن دور نگاه داشت که بازآفرینی فضای شهری صرفاً مختص حوزه معماری و ساختمان نیست، بلکه در همه زمینه‌ها و برای پاسداشت اصالت و هویت تاریخی و جغرافیایی محل سکونت خود که روزگاری بزرگان با کمترین امکانات، هنرمندانه اقتدار این خطه را حفظ نموده اند، باید در راستای توسعه و ترویج فرهنگ این "کهن دیار مهرآفرین" قدم برداشت. جشنواره‌های بومی و محلی "صنایع دستی و گردشگری" و زنده نگه داشتن سنت‌ها، بخشی از هویت ملی و بومی مردم بوده و به همین دلیل است که خوشبختانه در چند سال اخیر، بحث هویت در اولویت‌های اول سیاست‌های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در راستای فرهنگ‌سازی تعریف می شود.

هر چند اقدامات میراث فرهنگی، در راستای برنامه‌های سازمان فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در شهرستان تاریخی مرودشت، به صورت "جوانه ای" در حال نمود است، اما با سیاست گذاری‌هایی که هم از سوی میراث فرهنگی، شورای شهر و شهرداری شهر تاریخی مرودشت می تواند انجام گیرد، بی شک می توان اقداماتی ارزشمند در راستای زنده نگه داشتن فرهنگ‌های گذشته انجام داد و به واسطه ی این داشته ها و فرهنگ غنی، این دشت هزاران هزار ساله به جایگاه واقعی خود دست پیدا کند و برندی در صنعت گردشگری از آن خود کند.

اگر چه برگزاری جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی، نمایشگاه‌های صنایع دستی، آیین‌های بومی و فرهنگ‌های دشت تاریخی مرودشت در سطح محلی می تواند تأثیر گذار باشد اما چنانچه سهم طلایی از صنعت گردشگری بخواند به طور هدفمند دنبال شود می بایست با برگزاری تورهای گردشگری، آیین و فرهنگ خاص این خطه از فارس به دیگر شهرهای کشور و حتی در سطح بین المللی معرفی گردد و مرودشت به جایی برسد که در زمینه گردشگری پایلوت این صنعت به شمار آید. سخن کوتاه و پسنده به این مطلب که کشوری همچون مالزی درجهت جذب توریست، نه "فرهنگ سازی" که با ابتکار خود و مدد گرفتن از تکنولوژی روز "میراث فرهنگی" ایجاد می کند که این خود برای شهری همچون مرودشت با آن پیشینه ی تاریخی هم جای تأمل بسیار دارد و هم در حالت منطقی و خوش بینانه اش می تواند الگو پذیر باشد. « جشنواره توانمندی های شهرستان مرودشت در حوزه صنایع دستی و گردشگری با رویکرد اشتغالزایی » در نیمه دوم بهمن ۹۶ دایر شد که در این مدت علاوه بر غرفه‌های فروش محصولات و صنایع دستی، اقامتگاه های بوم گردی شهرستان نیز معرفی گردید. اما این کافی نیست و تنها گامی است برای شروع...



سرهای دستبندی که لیدایی ها برای شاه پیشکش می آوردند، آراسنه به بخش جلویی جانوری افسانه ای است. آنچه در چشم می زند این است که سطح دستبندها بسیار هموار است، در حالی که مقطع دستبندهای گروه های نمایندگان دیگر بر روی سنگ نگاره ها گرد است. گویا همواره سطح دستبند ها ویژه هنر لیدایی ها بوده باشد. آنها شکل دارند. شوربخانه از آبیگنه رنگی که درون آن را بر می کرده، تنها در چند جا نکه هایی بر جای مانده است.



ماری کخ هابید (۱۲۹۱)، پرسپولیس پایتخت درخشان
ترجمه امیر حسین اکبری شالچی، تهران، موسسه فرهنگی و انتشاراتی بازتاب



نشریه داخلی پایگاه میراث جهانی پارسیه
Parse Pasargadae World Heritage Newsletter
زمستان ۹۶ - شماره سوم - شماره هفتم

پارسیه پاسارگاد
PARSA PASARGADAE

نشریه داخلی پایگاه میراث جهانی پارسیه پاسارگاد

مدیر مسئول: مسعود رضایی منفرد - حمید فدایی

مردمپیر: اعظم آلدوزا روستایی

شورای سیاست گذاری: فرهاد عربی زلانی - مسعود رضایی منفرد - حمید فدایی

اعضاء تحریریه: کارشناسان پایگاه میراث جهانی تحت جستید و پاسارگاد

طراحی بومفرم و صفحه آرایی: نجاتداری / ۹۳۳۶۵۹۲۸۱۸

چاپ و آماده سازی: ارزنگ / تلفن: ۰۲۷۰۸۲۲۳۳۶

نشانی: فارسی - مرودشت - مجموعه میراث جهانی تحت جستید

دفتر شماره ۲، فارسی - پاسارگاد - مجموعه جهانی پاسارگاد

تلفن: ۰۷۱-۳۳۳۳۱۵۵۶ - روابط عمومی: داخلی ۲۱۳

دورنگار: ۰۷۱-۳۳۳۳۱۵۷۲

تلگرام: @persepolis_world_heritage_site

www.pasargadaeworldheritagesite

آدرس سایت پایگاه میراث جهانی تحت جستید و پاسارگاد:

www.pasargadae.ir

www.parse-pasargad.ir

info@persepolis.ir